

درس اول.....اهمیت مباحث اعتقادی

به کوشش: «خانم الهه تاری زاده»

۱- چرا بحث در اصول دین اهمیت دارد؟

زیرا اساس و زیر بنای تمام حرکات مادی و معنوی هر انسانی اصول عقاید اوست که اگر سالم و صحیح، قوی و بی عیب باشد اعمال و حرکات، افکار و بینش های مختلف او صحیح و شایسته خواهد بود؛ بنابراین کیفیت و کمیت توجه هر انسانی به فروع دین (که برنامه های عملی اسلام است) بستگی به میزان اعتقاد وی به اصول دین دارد.

۲- آثار اعتقاد به دین را به طور فشرده بیان کنید.

۱) دین به زندگی محتوی می دهد، اگر دین را از زندگی جدا کنیم جز پوچی و سرگردانی و تکرار، چیزی نمی یابیم. ۲) دین رفع تحیر می کند، تحیر از اینکه: کجا بودم - کجا هستم - برای چه هستم - به کجا میروم. قال علی علیه السلام: رحم الله امرء علم من این و فی این والی این. حضرت علی علیه السلام فرموده: خداوند رحمت کند کسی را که بداند کجا بوده و کجا هست و کجا خواهد رفت. ۳) انسان ذاتاً تشنه و عاشق کمال است و تنها دین است که انسان را به کمال واقعی هدایت می کند. قال الباقر علیه السلام: الکمال کل الکمال التفقه فی الدین و الصبر علی النائبه و تقدیر المعیشه امام باقر علیه السلام فرمود: کمال کامل در بصیرت در دین و صبر بر مشکلات و اقتصاد و امور زندگی است. ۴) آرامش روانی تنها در پناه دین است، انسان فاقد دین همیشه همراه با اضطراب، ترس، ناراحتی، پریشانی و سرگردانی می باشد. اگر توجهی به آمارهای جهانی کنیم بیشترین بیماریهای روانی و عصبی در جامعه هایی است که در آنها از دین خبری نیست. الذین آمنوا و لم یلبسوا ایمانهم بظلم اولئک لهم الامن و هم مهتدون آنها که ایمان آوردند خود را با ستم آلوده نکردند آرامش و امنیت برای آنهاست و آنها ره یافتگانند. ۵) تلاش و امید در پناه دین، آنگاه که حوادث سخت و پیچیده در زندگی انسان رخ می دهد و همه درها را به روی خود بسته می بیند و در برابر مشکلات احساس ضعف و ناتوانی می کند تنها ایمان به مبدا و معاد است که به یاری او شتافته و به او نیرو می دهد و در این هنگام می فهمد که تنها نیست و تکیه گاهی بزرگ دارد، پس با عشق و امید به تلاش و کوشش ادامه می دهد و بر سختیها چیره می شود. بنابراین ایمان به مبدا و معاد تکیه گاه بزرگی برای انسان و مایه استقامت و پایمردی اوست و از همین رو رسول گرامی اسلام می فرماید: المومن کالجبل الراسخ لا تحرکه العواصف مومن همانند کوه استوار است که او را بادهای سخت حرکت نمی دهد؛ در خلاصه دین به زندگی محتوی می دهد و انسان را از تحیر و سرگردانی نجات می دهد و سبب کمال و سعادت است و دین موجب آرامش و زمینه ساز عدالت اجتماعی است.

۳- فلسفه عقیده به خدا و پیامبران و امامان چیست؟

در پاسخ این سوال امام رضا(ع) فرمودند: لعل كثيره منها ان من لم يقر بالله عزوجل لم يجتنب معاصيه و لم ينته عن ارتكاب الكبائر و لم يراقب احدا فيما يشتهي و يستلذ من الفساد والظلم...، علتهاى بسيارى دارد يكي از آنها اين است كه كسى كه معتقد به خدا نيست از گناهان اجتناب نمى كند و مرتكب معصيتهاى بزرگ مى شود و در انجام هر ظلم و فسادى كه برايش لذت بخش است از هيچ كسى حساب نمى برد.

۴- چرا جوامع مذهبي به آثار و فوايد دين نرسيده اند؟

روشن است كه دين و ايمان اغلب مسلمانان از مرحله اول تجاوز نكرده و در نتيجه ايمان زباني بدون معرفت و بدون عمل

اثر وفايده اى ندارد؛ پس هر كس عمل ندارد، معرفت ندارد؛ در نتيجه آن فوايد و آثار هنگامى ظاهر مى شود كه ايمان به قلب رسيده و از قلب بوسيله عمل در جوارح و اعضا ظاهر شود.

درس دوم توحيد فطري

به كوشش: «خانم اعظم حشمتي»

۱- فطرت در لغت و در اصطلاح چه معنایی دارد؟

فطرت در لغت به معنای سرشت یا طبیعت و در اصطلاح به معنای غریزه معنوی هر انسان می باشد؛ غریزه ی معنوی یا فطرت یعنی آن چه را انسان خود می یابد و نیاز به فراگیری ندارد.

۲- منظور از فطرت در آیه ی «فطره الله التي فطر الناس عليها» چیست؟

منظور از فطرت در این آیه نوع آفرینش و فطرت پاک توحیدی و سرشت انسان و فطرت خداشناسی می باشد.

۳- سقراط درباره ی فطرت توحیدی چه می گوید؟

انسان درک می کند كه احتیاج به آب و غذا دار همچنين روح ما درك می كند كه احتیاج فراوانی به غذای روح دارد، این احساس عبارت است از دینی كه اولین انسان به آن هدایت شد. دلیل این مطلب اینكه: اگر بچه اى را از وحشى ترین اقوام دنیا بگیریم و او را آزاد بگذاریم كه هرگونه مى خواهد زندگی كند و حتى هيچ دینی را به او تلقین نكنیم وقتی بزرگ شد و كامل گشت مشاهده مى كنیم كه دنبال گمشده اى مى گردد و دائماً روی اصل غریزه و اندیشه فطرتش به این طرف و آن طرف میزند تا در مغز خود چیزی تصور كند كه ما آن را عقیده یا دین می نامیم. (سقراط حكیم)

حضرت فرمودند: «آیا تاکنون کشتی سوار شده ای؟ گفت: آری، فرمود: برایت اتفاق افتاده که کشتی دچار سانحه شود و در آنجا نه کشتی دیگری و نه شناگری باشد که تو را نجات دهد؟ عرض کرد آری. حضرت فرمود: آیا در آن هنگام احساس نمودی که هم اکنون نیز قدرتی هست که می تواند تو را از آن ورطه هولناک نجات دهد؟ گفت: آری، فرمود: همان خداست که می تواند تو را نجات دهد آن جا که نجات دهنده ای نیست و به فریاد رسد آنجا که فریادرسی نیست.»

درس سوم..... نشانه های خداوند در وجود انسان

به کوشش: «خانم حکیمه عسگری»

۱- یک حدیث از حضرت علی (ع) در باره ی معرفت نفس بنویسید.

قال علی (ع): من عرف نفسه فقد عرف به، هر کس خودش را شناخت خدایش را شناخته است.

۲- دلیل هشام بن حکم برای شناخت خداوند چه بود؟

هشام گفت، می گویم: من خداوند جل جلاله را بوسیله خودم شناختم زیرا او نزدیکترین چیزها به من است، می بینم ساختمان بدنم اجزاء مختلفی دارد که هر کدام با نظم خاصی در جای خود قرار گرفته اند، ترکیب این اجزاء قطعی و روشن است آفرینش آنها متین و دقیق است و انواع و اقسام نقاضی ها در آن بکار رفته است، می بینم برای من حواس مختلف و اعضاء گوناگونی از قبیل چشم، گوش، شامه، ذائقه و لامسه ایجاد شده است و عقل همه عاقلان محال می داند که ترکیب منظمی بدون ناظم، و نقشه دقیقی بدون نقاش بوجود آید، از این راه پی بردم که نظام وجودم و نقاشی های بدنم از این قانون مستثنی نیست و نیازمند به آفریدگار است.

۳- بطور خلاصه بنویسید بدن انسان از چه چیزهایی تشکیل یافته است؟

(۱) ساختمان اسرار آمیز سلولهای بدن انسان: بدن انسان مانند یک ساختمان از سلولهای تشکیل یافته که هر کدام به تنهایی موجود زنده ای است که مانند سایر جانداران زندگی، هضم، جذب، دفع و تولید دارند. در بدن یک انسان معمولی تعداد این سلولها که مرتباً بوسیله خون و به کمک قلب تغذیه می شوند معادل ده میلیون میلیارد می باشد، هر یک از این سلولها موظفند به گونه ای خاص در آیند، گاهی بصورت گوشت، گاهی به صورت پوست، گاه مینای دندان و گاهی اشک چشم را تشکیل می دهند، طبیعی است که هر کدام غذای خاصی می خواهند که قلب باید بوسیله خون به آنها برساند. (۲) دستگاه گوارش که آبدارخانه و آشپزخانه بدن بشمار می رود. (۳) دستگاه گردش خون که سرویس سریع پخش غذای کشور تن حساب می شود. (۴) دستگاه تنفس که تصفیه خانه خون بدن انسان است. (۵) دستگاه مغز و اعصاب که ستاد فرماندهی کل قوای انسان است. (۶) گوش و چشم و بینی که شبکه آگاهی و سازمان اطلاعات مغز محسوب می شود. (۷) سایر اعضاء بدن.

۴- خلاصه ای از فعالیت‌های روح را بیان کنید؟

۱) اندیشیدن: برای راهیابی به مجهولات و حل مشکلات. ۲) ابتکار: برای رفع نیازهای مختلف، مقابله با حوادث گوناگون، اختراعات و اکتشافات. ۳) حافظه: برای نگهداری انواع معلومات که از طریق حس یا تفکر و اندیشه برای انسان حاصل شده است و بعد طبقه بندی و بایگانی آنها و سپس به هنگام لزوم. ۴) تجزیه و تحلیل مسائل: برای پیدا کردن علل و ریشه های حوادث از طریق جدا کردن مفاهیم ذهنی از یکدیگر و بعد ترکیب آنها با هم و سپس رسیدن به علل و نتایج حوادث. ۵) تخیل: یعنی ایجاد صورتهای ذهنی که احیاناً در خارج وجود ندارد بعنوان مقدمه ای برای فهم مسائل جدید. ۶) تصمیم و اراده: برای انجام کارها، یا متوقف ساختن و یا دگرگون کردن آنها. ۷) محبت و دوستی، دشمنی و دهها پدیده دیگر که در اعمال انسان اثرات مثبت یا منفی دارد.

درس چهارم..... نشانه های خداوند در آفاق (بخش اول)

به کوشش: «خانم زینب تاری زاده»

۱- امام صادق علیه السلام درباره آفرینش زمین چه می فرماید؟

امام صادق علیه السلام خطاب به مفضل می فرماید: فکر کن در خصوصیات آفرینش این زمین که چگونه ای قرار داده شده که محکم و استوار محل استقرار اشیاء باشد و مردم بتوانند در احتیاجاتشان بر آن کوشش کنند و هنگام آرامش و استراحت بروی زمین نشسته و یا بخواب روند... و عبرت بگیر، از آنچه هنگام زلزله ها بمردم می رسد که دیگر زمین آرامشی ندارد و مردم ناچار به ترک خانه ها شده و فرار می کنند.

۲- امام صادق علیه السلام درباره خورشید چه می فرمایند؟

امام صادق علیه السلام در روایت مفضل می فرماید: در طلوع و غروب خورشید اندیشه کن که خداوند حاکمیت روز و شب را با آن برپا می کند.

اگر طلوع خورشید نبود نظم جهان به کلی به هم می خورد... و زندگی یا نبودن نور خورشید و آثار آن ناگوار می شد... و اگر غروب آفتاب نبود مردم آرامش و قرار نداشتند با اینکه احتیاج زیادی برای آسایش جسم و آرامش روح دارند.

درس پنجم..... دقت در آفرینش آسمانها

به کوشش: «خانم مینا آقایی»

۱- گریه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای چه بود و به بلال چه فرمودند؟

فرمود آیا من بنده شاکر خداوند نباشم؟ چرا نگریم؟ در حالیکه در این شب آیت تکان دهنده ای بر من نازل شد، سپس آیه فوق از سوره آل عمران و چهار آیه پشت سر آن را تلاوت فرمود و در پایان فرمود: ویل لمن قرا هاولم یتفکر فیها وای بر کسی که آنها را بخواند و در آن اندیشه نکند.

۲- کهکشان چیست و قطر کهکشان ما چقدر است؟

اگر شبی تاریک که نور ماه در آسمان نمی درخشد نظری به آسمان بیندازیم منطقه ای طولانی مانند قوسی که از افق تا افق کشیده شده ملاحظه می کنیم که به سفیدی آب نهری در سیاهی زمین شباهت دارد و به آن کهکشان گفته می شود. در هر کهکشان ستارگان بی شماری وجود دارد، قطر کهکشان ما (که منظومه شمسی ما در آن قرار دارد) یکصد هزار سال نوری است یعنی اگر بخواهند با سرعت سیصد هزار کیلومتر در ثانیه از طرفی تا طرف دیگر این کهکشان مسافت کنند صد هزار سال طول می کشد و خورشید با سرعت فوق العاده ای که دارد و به دور این کهکشان در حرکت است ۲۵۰ میلیون سال طول می کشد که یک دور گرد این کهکشان بچرخد.

۳- خلاصه داستان حبه عرنی درباره مناجات علی علیه السلام را بنویسید.

حبه عرنی می گوید: «شبی من با نوف در حیاط دار الاماره کوفه خوابیده بودیم اواخر شب ناکهان متوجه شدیم علی علیه السلام در صحن دار الاماره مانند افراد و اله و حیران دستها را به دیوار نهاده و این آیات را تلاوت می فرمود: ان فی خلق السموات و الارض و اختلاف اللیل و النهار لآیات لا ولی الا للاباب یدکرون الله قیاما و قعودا و علی جنوبهم و یتفکرون فی اخلق السموات و الارض ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانک فقنا عذاب النار انک من تدخل النار فقد اخرجتہ و ما للظالمین من انصار ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی للایمان ان آمنوا بریکم فامنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا و کفر عنا سیئاتنا و توفنا مع الابرار ربما و اننا ما وعدتنا علی رسلک و لا تخزنا یوم القیمه انک لا تخلف المیعاد. حبه گوید: حضرت این آیات را مکرر تلاوت می فرمود و چنان مجذوب مطالعه آسمان زیبا حضرت این آیات را مکرر تلاوت می فرمود و چنان مجذوب مطالعه آسان زیبا و خالق این زیباییها بود که گویا هوش از سرش پریده بود کم کم بالای سرم رسیده و پرسیدند حبه خوابی یا بیدار؟، جواب دادم بیدارم، آقا شما که با این جهاد و کوشش و با آنهمه سوابق درخشان و آنهمه زهد و تقوی، چنین اشک می ریزی ما بیچارگان چه کنیم؟ حضرت چشمها را به پایین انداخته و شروع به گریه کردند و فرمودند: ای حبه همگی ما در برابر خداوند ایستگاهی داریم که هیچ یک از اعمال ما بر او پوشیده نیست ای حبه بطور قطع خداوند از رگ گردن به من و تو نزدیکتر است، ای حبه هیچ چیز نمی تواند من و ترا از خدا پنهان دارد آنگاه حضرت رفیقم نوف را مورد خطاب قرار داده و فرمود: ای نوف خوابی؟ جواب داد: نه یا علی حالت حیرت انگیز و شگفت آور شما موجب شد که امشب فراوان بگیم حضرت فرمود: ای نوف اگر امشب از خوف خدا فراوان گریه کردی فردا در پیشگاه خدا چشمانت روشن خواهد شد، ای نوف: هیچ قطره اشکی از دیدگاه کسی از خوف خدا جاری نمی شود مگر آنکه دریایی از آتش را خاموش می کند. آخرین جمله حضرت به ما این بود که: از خداوند در ترک انجام مسئولیتها بترسید آنگاه در حالیکه زمزمه می کرد از جلوی ما گذشت و فرمود: خدایا ای کاش می دانستم هنگامیکه غافلم تو از من اعراض نموده ای یا به من توجه داری و ای کاش می

دانستم با این خواب طولانیم و کوتاهی در سپاسگزاری نعمتهایت حالم در نزد تو چگونه است. نوف می گوید
بخدا قسم حضرت تا صبح در همین حال بود.»

درس ششم.....برهان نظم

به کوشش: «خانم سمانه حسینی»

۱- چگونه علم زائیده ی نظم جهان است؟

روشن است که اگر نظم بر جهان حکومت نمی کرد علم در دنیا یافت نمی شد چرا که علوم عبارت از کشف همان نظام و قوانین عمومی است که بر جهان حکمفرماست.

۲- اساس برهان نظم چیست؟

۱) جهان هستی بر اساس یک نظام دقیق و حساب شده ای آفریده شده و بر هر ذره ای از موجودات یک سلسله قوانین تغییر ناپذیری حکومت می کند. ۲) هر جا نظم و تدبیر حساب شده ای هست ممکن نیست زائیده رویدادهای تصادفی باشد و حتما باید از علم و قدرتی سرچشمه گرفته شده باشد؛ نتیجه: نظم و تدبیر جهان آفرینش گواه اینست که صانعی توانا و سازنده ای دانا با محاسباتی دقیق نقشه آن را طرح و سپس کاخ عظیم عالم هستی را بر پایه آن بنا نهاده است.

۳- خلاصه ای از مباحثه نیوتن با دانشمند مادی را بین کنید؟

نیوتن منجم و ریاضی دان مشهور به یک مکانیک ماهر دستور داد که ماکت کوچکی از منظومه شمسی بسازد سیارات این منظومه توپهای کوچکی بودند که با تسمه به یکدیگر پیوسته بودند و برای آن هندل کوچکی قرار داده که با حرکت آن تمام توپها به طرز بسیار جالبی در مدار خود حرکت می کردند و دور هسته مرکزی به گردش در می آمدند. یکروز نیوتن کنار میز مطالعه خود نشسته بود و این ماکت هم در مقابلش قرار داشت در این هنگام دوستی او که یک دانشمند ماتریالیست بود وارد شد هنگامیکه چشمش به آن ماکت زیبا افتاد تعجب کرد و زمانیکه نیوتن هندل ماکت را حرکت داد و آن سیارات

با سبکی جالب به دور هسته مرکزی حرکت کرد تعجب آن دانشمند بیشتر شد و فریاد زد: وه! چه چیز جالبی چه کسی این را ساخته است؟! نیوتن جواب داد هیچکس، خودش تصادفاً بوجود آمده است. دانشمند مادی گفت آقای نیوتن فکر کردید من احمقم چگونه ممکن است این ماکت با این سبک جالب خودش تصادفاً بوجود آمده باشد نه تنها سازنده دارد بلکه سازنده اش نابغه بوده است، اینجا بود که نیوتن به آرامی برخاست و دست روی شانه آن مادی گذاشت و گفت دوست من آنچه شما می بینید جز یک ماکت کوچک نیست که از روی سیستم واقعی عظیم منظومه شمسی ساخته شده است با این حال شما حاضر نیستید بپذیرید که تصادفاً و خودبخود بوجود آمده باشد پس چگونه اعتقاد دارید خود آ «منظومه شمسی با همه وسعت و پیچیدگی که

دارد آفریننده ای عاقل و قادر نداشته و بدون سازنده است اینجا بود که دانشمند مادی شرمنده شد و جوابی برای گفتن نداشت آری این همان برهان نظم برای وجود آفریدگار قادر و تواناست.

۴- برهان وزیر موجد برای پادشاه منکر چه بود؟

پادشاهی منکر خدا وزیری موجد داشت هر چه وزیر برایش استدلال توحید و خدا شناسی می کرد اثری نداشت تا اینکه بدون اطلاع پادشاه دستور داد در مکانی خوش آب و هوا قصری با شکوه و جالب ساختند و انواع و اقسام درختان میوه و گلهای مختلف در آن قرار دادند روزی پادشاه را به بازدید قصر دعوت نمود، پادشاه بسیار خوشی آمد و پرسید مهندس و بناهای این قصر چه کسانی هستند؟ وزیر گفت: پادشاه! این قصر هیچ مهندسی و سازنده ای ندارد ما ناگاه دیدیم این قصر اینجا پیدا شده است پادشاه گفت مرا مسخره می کنی مگر ممکن است چیزی در عالم خودش بوجود بیاید؟ وزیر گفت اگر ممکن نیست این قصر کوچک بدون سازنده باشد چگونه ممکن است این جهان بزرگ با همه عظمتش از آسمان و زمین و دریاها و آنهمه موجوداتی که در آنهاست بدون آفریدگار باشد پادشاه متنبه شد و بر وزیر آفرین گفته و خداشناسی گردید.

درس هفتم.....توحید و یگانگی خداوند

به کوشش: «خانم الناز رامیار»

۱- دلایل توحید و یگانگی خداوند را بیان کنید.

۱) خداوندی که کمال مطلق است و هیچ حد و مرز و اندازه ای در او راه ندارد، آفریدگاری که ازلی و ابدی است، پروردگاری که زمان و مکان مخلوق اوست جز یکی نمی تواند باشد اگر به معنای نامحدود و نامتناهی بودن خداوند توجه کنیم می فهمیم که نامحدود جز یکی نمی تواند باشد زیرا تعدد موجب محدودیت و متناهی بودن است. ۲) در جهان نظم واحدی وجود دارد و نظم واحد، دلیل بر ناظم واحد است همان نظامات و قوانینی که دانشمندان ستاره شناس در کرات و کهکشانها می بینند همانا را دانشمندان اتم شناس در دل اتم مشاهده می کنند و همین نظم در سراسر کشور تن و جسم انسان وجود دارد قهرا اگر جز یک منظم وجود داشت نظام عالم به هم می خورد و این است معنای لو کان فیهما الهه الا الله لفسدتا (۳) اخبار همه انبیاء بر یگانگی خداوند دلیل قاطعی بر واحدانیت اوست، تمام پیامبرانی که از جانب خداوند مامور تبلیغ و ارشاد شده اند او را یگانه خوانده اند قال علی علیه السلام: و اعلم یا بنی انه لو کان لربک شریک لا تنک رسله و لرایت آثار ملکه و سلطانه و لعرفت افعاله و صفاته و لکنه الله واحد کما وصف نفسه. علی (ع) در وصیت به فرزندش امام حسن علیه السلام می فرماید: بدان ای پسر من اگر پروردگارت شریک و همتایی داشت رسولان او به سوی تو می آمدند و آثار ملک و قدرتش را می دیدی و افعال و صفاتش را می شناختی اما او خداوندی یکتاست همانگونه که خویش را توصیف کرده است.

۲- مراتب توحید را بیان کنید.

۱) توحید ذات (۲) توحید صفات (۳) توحید افعال (۴) توحید در عبادت

۳- منظور از توحید افعال چیست؟

منظور از توحید افعال اینست که همه کارها در دو جهان فعل خداوند است و هر موجودی هر خاصیتی که دارد از ذات پاک خداوند است، زیبایی گل، درخشندگی آفتاب و درمان دردها، همه و همه از اوست یعنی هیچ موجودی در عالم از خود استقلال ندارد و موثر مستقل در عالم فقط خداوند است به تعبیر دیگر همانگونه که موجودات در اصل وجود خود وابسته به ذات او هستند در تأثیر و فعل خود نیز چنین هستند.

۴- توحید در عبادت را توضیح دهید.

توحید در عبادت لازمه توحید ذات و صفات است زیرا وقتی مسلم شد که واجب الوجود تنها خداست و هر چه غیر اوست ممکن و محتاج و نیازمند است پس عبادت مخصوص اوست و او کمال مطلق است. و غیر از او کمال مطلق وجود ندارد و عبادت هم برای رسیدن به کمال است بنابراین عبادت مخصوص خداوند است سر لوحه دعوت پیامبران مساله توحید در عبادت بوده و قرآن آیات فراوانی در مورد توحید عبادت دارد.

درس هشتم..... صفات خداوند متعال (بخش اول)

به کوشش: «خانم شبنم آذری»

۱- چرا عقل به کنه ذات و صفات خداوند نمی رسد؟

زیرا او وجودی است از هر نظر بی نهایت، علم و قدرت و همه صفات خداوند مانند ذات او بی نهایت است و از سوی دیگر ما و هر چه مربوط به ما می شود (علم و قدرت و حیات و زمان و مکانی که در اختیار داریم) همه محدود و متناهی است، بنابراین با این همه محدودیت چگونه می توانیم به کنه آن وجود نامحدود و صفاتش برسیم و چگونه می توانیم به کنه وجودی پی ببریم که هیچ گونه مثل و مانندی ندارد.

۲- صفات ثبوتیه و صفات سلبيه خداوند را بیان کنید.

صفات ثبوتیه یا جمالیه: خداوند متعال بی نهایت کمال است و آنچه به عنوان صفات ثبوتیه گفته می شود اصول صفات اوست نه اینکه منحصر در آنها باشد.

صفات سلبيه یا جلالیه: یعنی صفات او عین ذات اوست و زاید بر ذات او نیست.

۳- فرق صفات ذات و صفات فعل چیست؟

صفات ذات، عین ذات خداوند است و نمی شود آنها را از خداوند متعال سلب نمود؛ اما صفات فعل، صفاتی است که به افعال خداوند بستگی دارد یعنی تا آن فعل از او صادر نشود آن وصف بر او اطلاق نمی گردد.

درس نهم..... صفات خداوند متعال (بخش دوم)

به کوشش: «خانم رقیه تازی زاده»

۱- نشانه های قدرت خداوند چیست؟

جهان هستی با پدیده های عظیم و شگرفش، کرات عظیم آسمانها، کهکشانها، منظومه ها، اقیانوسها و دریاها و موجودات مختلفی که در آنهاست نشانه هایی از قدرت خداوند است. خداوند بر هر چیزی قادر است و قدرت او بر تمام اشیاء یکسان است.

۲- قدیم و ابدی، مرید و مدرک، متکلم و صادق را معنی کنید؟

قدیم و ابدی: یعنی همیشه بوده و همیشه خواهد بود. برای او آغاز و پایانی تصور نمی شود، هو الاول و الاخر و الظاهر و الباطن و هو بکل شیء علیم اول و آخر و ظاهر و باطن اوست و او از هر چیز آگاه است. مرید: یعنی صاحب اراده می باشد و در کارهایش مجبور نیست و هر کاری انجام می دهد دارای هدف و حکمت است. (حکیم است) مدرک: همه چیز را درک می کند همه را می بیند و همه صداها را می شنود (سمیع و بصیر است). متکلم: یعنی خداوند می تواند امواج صدا را در هوا ایجاد کند و با پیامبران خود سخن بگوید نه اینکه تکلم از زبان و لب و حنجره باشد. صادق: یعنی هر چه خداوند می گوید راست و عین واقعیت است زیرا دروغ یا از جهل و نادانی و یا از ضعف می باشد و خداوند منزه است. در نتیجه خداوند کمال بی نهایت است و هیچ گونه نقصی در ذات اقدسش راه ندارد و ما باید درباره شناخت صفات هم به عجز خود اعتراف کنیم.

۳- چرا تفکر در ذات خداوند ممنوع است؟

بدانیم صفات خداوند عین ذات اوست بنابراین نه درباره ذات و نه درباره صفات خداوند نباید هیچ تفکری داشته باشیم زیرا موجب تحیر و سرگردانی است.

درس دهم..... صفات سلویه

به کوشش: «خانم معصومه خداپناه»

۱- منظور از صفات سلویه چیست؟

منظور از صفات سلبيه اين است كه خداوند از هر گونه عيب و نقصى و عوارض و صفات ممكنات پاك و منزه است؛ او مركب نيست، جسم ندارد، قابل رويت نمى باشد، مكان و زمان و محل و جهت براى او نيست، از هر گونه نياز و احتياج مبرا است، هرگز ذات او محل حوادث و عوارض و تغيير و دگرگونى نمى باشد، و صفات خداوند عين ذات اوست و زائد بر ذاتى نيست.

۲- چرا ديدن خداوند محال است؟

زيرا لازمه ديده شدن امورى است كه هيچيك از آنها در مورد خداوند امكان پذير نيست يعنى اگر بخواهد ديده شود بايد جسم داشته باشد، مكان داشته باشد، جهت داشته باشد، داراى اجزاء باشد، زيرا هر جسمى داراى اجزاء و عوارضى مانند رنگ و حجم و ابعاد است. بعلاوه همه اجسام در حال تغيير و دگرگونى بوده و احتياج به مكان دارند و تمام اينها از ويژگيهاى ممكنات است و موجب اينها از ويژگيهاى ممكنات است و موجب نياز و احتياج بوده و خداوند از آنها منزه است. در نتيجه خداوند متعال نه جسم است و نه ديده مى شود.

۳- حضرت على عليه السلام در جواب دانشمند يهودى كه پرسیده بود خداوند كجاست چه فرمودند؟

خداوند متعال مكان را آفريد بنا بر اين ممكن نيست خودش مكانى داشته باشد و برتر از آن است كه مكانى او را در خود جاى دهد... آيا در يكي از كتابهاى خود ندیده اى كه روزى موسى به عمران عليه السلام نشسته بود فرشته اى از شرق آمد حضرت موسى فرمود از كجا آمده اى؟ گفت از نزد پروردگار، سپس فرشته اى غرب آمد فرمود: تو از كجا آمده اى؟ گفت از نزد پروردگار، فرشته اى ديگر از آمد فرمود: تو از كجا آمده اى؟ گفت از زمين هفتم از نزد پروردگار، در اينجا فرمود منزه است كسى كه هيچ مكانى از او خالى نيست و هيچ مكانى به او نزديكتر از مكان ديگر نمى باشد: يهودى گفت: من گواهى مى دهم كه، حق مابين همين است و تو از همه شايسته تر به مقام پيامبرت هستى.

۴- چرا هنگام دعا دست به آسمان بر مى داريم؟

خداوند متعال دوستان و بندگان خود را دستور داده كه دستهاى خود را به سوى آسان به طرف عرش بردارند زيرا معدن رزق آنجاست؛ همچنين حضرت على (ع) فرموده: آيا (در قرآن) نخوانده اى (در آسمان رزق شماست و آنچه به شما وعده داده مى شود) پس از كجا انسان روزى را بطلبد جز از مجلس، محل رزق و وعده الهى آسمان است.

درس يازدهم..... عدل الهى

به كوشش: «خانم ليلا خداپناه»

۱- چرا عدل از اصول اعتقادى شمرده مى شود؟

عدل یکی از صفات جمالیه خداوند متعال است مساله عدل الهی از یک سو با اصل ایمان به خدا ارتباط دارد و از سوی دیگر با مساله معاد، و از سویی با مساله نبوت و امامت و از طرفی با مساله فلسفه احکام، پاداش و جزا، جبر و تفویض مربوط می شود از این جهت اعتقاد به اصل عدالت یا نفی آن «می تواند چهره تمام معارف و اعتقادات دینی را دگرگون سازد، اضافه بر این بازتاب عدل الهی در مساله عدالت اجتماعی و عدالت اخلاقی و مسائل تربیتی نیز قابل انکار نیست به خاطر این ویژگیهاست که در بین صفات خداوند عدل از اصول اعتقادی شمرده شده است.

۲- دلیل عقلی عدل خداوند چیست؟

ظلم قبیح است و خداوند حکیم هرگز کار قبیح انجام نمی دهد.

۳- عوامل و ریشه های ظلم چیست؟

۱) نیاز: کسی ظلم می کند که برای رسیدن به اموری نیازمند باشد و از راه ظلم بتواند به آنها برسد. ۲) جهل و نادانی: کسی ظلم می کند که زشتی و قبیح بودن ظلم را نداند. ۳) رزائل اخلاقی: کسی ظلم می کند که در وجودش کینه، عداوت، حسد، خودخواهی و هواپرستی باشد. ۴) عجز و ناتوانی: کسی ظلم می کند که از دفع ضرر و خطر از خودش عاجز است و برای رسیدن به هدف راهی جز ظلم ندارد.

۴- بطور فشرده معانی عدالت را بیان کنید.

۱) عدل در خداوند یعنی دوری آفریدگار از انجام هر عملی که بر خلاف مصلحت و حکمت است. ۲) عدل یعنی: همه انسانها در پیشگاه خداوند از هر جهت یکسان و برابرند و هیچ انسانی نزد او بر دیگری برترین ندارد مگر کسیکه با تقوا و اعمال نیک خود را از فساد و تباهی دور بدارد. ان اکرمک عند الله اتقیکم ان الله علیم خبیر همانا گرامی ترین شما نزد خداوند کسی است که پرهیزکارتر باشد بدرستی که خداوند دانای خبیر است. ۳) قضاوت و پاداش به حق: یعنی خداوند هیچ عملی را هر چند خیلی ناچیز و کوچک باشد از هیچ کس ضایع نکره و بی اجر و پاداش نیم گذارد و بدون تبعیض به هر کس جزای عملش را خواهد داد. فمن يعمل مثقال ذره خیره یره و من يعمل مثقال ذره شرا یره پس هر کس ذره ای کار خوب انجام دهد آنرا خواهد دید و هر کس ذره ای کار بد کند آنرا خواهد دید. ۴) قرار دادن هی چیز در محل خودش: العادل الواضع کل شیئی موضعه عادل کسی است که هر چیزی را در جای خود قرار می دهد؛ خداوند هر پدیده و مخلوقی را در جای خود آفریده و مواد ترکیبی هر موجودی را به اندازه لازم آن معین کرده است و تعادل و تناسب در تمام پدیده های جهان آفرینش وجود دارد و انبتنا فیها من کل شیئی موزون و رویاندیم در روی زمین از هر چیزی به اندازه و حساب شده. ۵) عمل بر مبنای هدف: یعنی تمام آفرینش در جهان هستی بر مبنای هدف است و در ایجاد همه عالم اسرار و دلالتی نهفته است و هیچ چیز بیهوده و عبث نیست. افحبستم انما خلقناکم عبثا و انکم الینا لا ترجعون آیا گمان کردید ما شما را عبث و بیهوده آفریدیم و شما به سوی ما بازگشت نمی کنید.

درس دوازدهم..... فلسفه بلاها و مصائب (بخش اول)

به کوشش: «خانم نسرین حسینی»

۱- پاسخ اجمالی که برای حوادث ناگوار هست بیان فرمائید.

وقتی با دلائل عقلی و نقلی ثابت شد که خداوند حکیم و عادل است و تمام آفرینش او از روی هدف و حکمت است و اینکه خداوند هیچگونه نیازی به هیچ کس و هیچ چیز ندارد و از همه چیز آگاه است در نتیجه هیچ کاری بر خلاف حکمت انجام نمی دهد و ظلم که زائیده جهل و عجز است درباره ذات مقدس او تصور نمی شود پس اگر ما نتوانستیم فلسفه حوادث مذکور را بفهمیم باید اعتراف کنیم که این از محدودیت آگاهی ماست، هر کس خداوند را با صفاتش شناخت این پاسخ برایش کافی و قانع کننده است.

۲- منظور از حوادث خود ساخته چیست؟

در زندگی مصائب زیادی دامن انسان را می گیرد که عامل اصلیش خود اوست عامل بسیاری از ناکامیها، سستی و تنبلی و

ترک تلاش و کوشش است، بسیاری از بیمارها ناشی از شکم پرستی و هوای نفس است، بی نظمیها همیشه عامل بدبختی بوده و اختلاف و پراکندگی همیشه مصیبت زا و بدبختی آفرین است و عجب این است که بسیاری از مردم این روابط علت و معلولی را فراموش کرده و همه را به حساب دستگاه آفرینش می گذارند، علاوه بر اینها بسیاری از نقصها و کمبودها، از قبیل ناقص الخلقه بودن (کور، کر و لال، فلج شدن) بعضی از نوزادان در اثر سهل انگاری پدر و مادر و مراعات نکردن دستورات شرع و امور بهداشتی است، گرچه کودک بی تقصیر است ولی این اثر طبیعی ظلم و جهل پدر و مادر است، (خوشبختانه از پیشوایان معصوم علیهم السلام دستوراتی برای جلوگیری از نقصها رسیده، حتی برای خوش استعداد شدن و یا زیبایی نوزاد دستوراتی فرموده اند).

۳- مصائب و گرفتاریهای مظلومین و مومنین برای چیست حدیث پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را بیان کنید.

از دیدگاه اسلام مصائب و گرفتاریهای مظلومین و یا مومنین به خاطر ترک نمودن نهی از منکر و مبارزه نکردن با فساد و ظالم است، اتقوا فتنه لا تصیب الذین ظلموا منکم خاصه پرهیزید از فتنه اینکه آثارش فقط برای ستمگران نیست بلکه همه را می گیرد؟ قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم لتأمرن بالمعروف و لتنهن عن المنکر اولیعنکم عذاب الله حتما امر به معروف و نهی از منکر کنید و گر نه عذاب عمومی خداوند شما را فرا می گیرد.

۴- استدراج یا عذاب تدریجی را تعریف کنید.

عن الصادق عليه السلام: اذا اراد الله بعيد خيرا فاذنب ذنبا تبعه بنقمه فيذكره الاستغفار و اذا اراد الله بعيد شرا فاذنب ذنبا تبعه بنعمه لينسيه الاستغفار و يتمادي به و هو قال الله عزوجل: (سنستد رجهم من حيث لا يعلمون) بالنعم عند المعاصي هنگامیکه که خداوند خیر و سعادت را برای بنده ای بخواهد اگر گناهی کرد او را به ناراحتی مبتلا می کند و استغفار را به یاد او می آورد و زمانیکه برای بنده ای (بر اثر طغیانگری او) شری بخواهد اگر گناهی کرد نعمتی به او می دهد تا استغفار را فراموش کند و به راه خود ادامه دهد و این همان چیزی است که خداوند فرموده: ما آنها را از آنجا که نمی دانند تدریجا به سوی عذاب می بریم به اینگونه که هنگام معصیت به آنها نعمت می دهیم.

درس سیزدهم..... فلسفه بلاها و مصائب (بخش دوم ابتلاء مومنین)

به کوشش: «خانم مریم قویدل»

۱- چرا مومنین در دنیا گرفتار بلاها و مصیبتها می شوند؟

بلاها و مصائب مومنین باعث زیاد شدن درجاتشان و گاهی برای تنبه و بیداری آنها و در مواردی کفاره گناهان آنهاست که تماشای لطف خداوند بر مومنین است؛ و عن الصادق علیه السلام: لا تزال الغموم و الهموم بالمومن حتی لا تدع له ذنبا از امام صادق علیه السلام نقل است که: مومن همیشه گرفتار غم و غصه است تا برایش گناهی نماند.

۲- آزمایش خداوند از بندگان برای چیست؟

این آزمایش جهت آگاهی خداوند از وضع ما نیست زیرا خداوند از ابتدا بر همه چیز آگاه است بلکه آزمایش جنبه پرورشی دارد یعنی آزمونهای الهی وسیله تکامل و پرورش روح و جسم انسان و از طرف دیگر استحقاق پاداش و کیفر بعد از امتحان است.

۳- خلاصه و نتیجه فلسفه مصائب را بیان کنید.

بسیاری از اشکالات در مورد عدل به خاطر جهل و درک نکردن فلسفه وقایع و مصائب است مثلا خیال می کنیم مرگ نابودی است و اشکال می گیریم که چرا فلانی جوان مرد و ناکام شد؟، خیال می کنیم دنیا جای ماندن است و می گوئیم چرا سیل و زلزله عدای را نابود کرد؟، و فکر می کنیم دنیا جای آسایش است و می گوئیم چرا گروهی محرومند؟

مانند کسی که در کلاس شروع به ایراد و اشکال می کند که چای چطور شد؟ چرا غذا نمی آورند؟ چرا رختخواب نیست؟ که فقط باید به او گفت اینجا کلاس درس است نه سالن پذیرائی! در نتیجه بهترین راه برای حل اشکالات شناخت دنیا و پی بردن به هدف از آفرینش موجودات است.

درس چهاردهم..... اختیار و امر بین الامرین

به کوشش: «خانم سمیه بی کسی»

۱- نظریه های جبر، تفویض و اختیار را معنی کنید.

۱) جبر و بی ارادگی: پیروان این نظریه می گویند انسانها در اعمال و رفتار خود کوچکترین اراده ای ندارند و بشر مانند ابزاری بی شعور در دست استاد است و آنچه واقع می شود همان مشیت خداوند است. ۲) تفویض یا واگذاری: پیروان این نظریه می گویند خداوند انسان را آفرید و او را با دستگاه مغز و اعصاب مجهز کرده و کارهایش را به خودش واگذار نمود بنابراین این خداوند هیچ تاثیری در افعال و رفتار انسان ندارد و فضا و قدر هم اثری ندارند. ۳) اختیار یا امر بین الامرین: نه جبر نه تفویض بلکه اختیار امری بین این دو.

۲- نظر شیعه درباره اختیار انسان چیست؟

شیعه به پیروی از معصومین علیهم السلام عقیده دارد که با وجود مشیت الهی، انسان در کارها و افعالش دارای اختیار است. وجود اختیار و قدرت انتخاب و تصمیم گیری، یک امر بدیهی و غیر قابل انکار است.

۳- حدیث حضرت علی بن الحسین علیه السلام در مذهب اختیار چیست؟

قال علی بن الحسین علیه السلام قال الله عزوجل: یا بن آدم بمشیتی كنت انت الذی تشاء و بقوتی ادیت الی فرایضی و بنعمتی قویت علی معصیتی جعلتک سمیعا بصیرا ما اصابک من حسنه فمن الله و ما اصابک من سیئه فمن نفسک و ذلک انی اولی بحسناک منک و انت اولی بسیئاتک منی و ذلک انی لا اسئل عما افعَل و هم یسئلون قد نظمت لک کل شیء ترید علی بن الحسین علیه السلام فرمود خدای عزوجل فرمود: ای فرزند آدم به خواست من، تو اراده می کنی و به قوه و قدرت من واجبات مرا انجام می دهی و یا نعمت من بر معصیت من قوت و قدرت پیدا کردی، تو را شنوای بینا قرار دادم، هر خوبی که به تو می رسد از خداوند است و هو بدی که به تو می رسد از خود توست زیرا من به خوبیهای تو از تو سزاوارترم و تو به بدیهایت از من سزاوارتری زیرا من از آنچه انجام می دهم سوال و بازخواست نمی شوم و آنها سوال و بازخواست می شوند، آنچه اراده داشتی برایت منظم کردم.

۴- راه حل روشن مساله جبر و اختیار را بیان کنید.

وجدان عمومی و فطرت همگانی یکی از روشنترین دلایل اختیار است و طرفداران اختیار و حتی جبریون عملا اصل اختیار و آزادی را پذیرفته اند.

درس پانزدهم..... نبوت عامه (بخش اول)

۱- چرا برای شناخت هدف آفرینش بعثت انبیاء لازم است؟

انسان با عقل خود مسائل مربوط به زندگی دنیوی را درک می کند امام در مسائل مربوط به سعادت و کمال، آینده زندگی و جهان گسترده پس از مرگ ناتوان است از اینرو خداوند حکیم باید پیامبرانی معصوم را برای راهنمایی انسانها جهت رسیدن به کمال واقعی بفرستد.

۲- فرمایش امام صادق علیه السلام برای لزوم بعثت انبیاء چیست؟

حضرت فرمودند: چون ثابت کردیم که ما آفریننده و صانعی داریم که از ما و همه مخلوقات برتر و با حکمت و رفعت است و با توجه به این که مردم نمی توانند با او تماس بگیرند به این نتیجه می رسیم که او در میان مخلوقات خود پیامبرانی دارد که مردم را به مصالح و منافع آشنا می سازد و همچنین از اموری که بقای انسانها وابسته به آنست و ترکش موجب نابودی آنهاست آنان را آگاه سازند بنابراین ثابت شد که آمران و ناهیانی از سوی خداوند حکیم علیم در میان خلق او هستند که فرمانهای او را به مردم می رسانند و آنها همان پیامبران هستند

۳- حضرت امام رضا علیه السلام برای لزوم بعثت چه فرمودند؟

امام رضا علیه السلام می فرمایند: چون در متن آفرینش انسان و در میان غرائز و نیروهای مرموز و مختلفی که در وجود انسان است نیرویی نیست که بتواند رسالت تکامل انسان را به عهده بگیرند چاره ای جز این نیست که خداوند پیامبری داشته باشد که پیام او را به مردم ابلاغ کند و آنها را به آنچه موجب رسیدن به منافع و دوری از ضررهاست آگاه سازد.

۴- بطور فشرده شرایط قانونگذار را بیان کنید؟

۱) کاملاً انسان را بشناسد و از تمام رموز و اسرار جسم و جان انسان، عواطف و غرائز، امیان و شهوات او آگاهی کامل داشته باشد. ۲) از تمام استعدادها و شایستگی هائی که در وجود انسانها نهفته است و همه کمالاتی که بالامکان برای آنان میسر است مطلع باشد. ۳) نسبت به همه اصولیکه موجب تکامل انسان است مطلع بوده و موانع کمال او را بشناسد و آگاه به شرایط کمالش باشد. ۴) هرگز خطا و لغزش گناه و اشتباه از او سر نزدند به علاوه فردی دلسوز و مهربان، قوی و با شهامت بوده و از هیچ قدرتی نهراسد. ۵) خودش هیچ گونه منافی در اجتماع نداشته باشد تا تحت تاثیر منافع شخصی، بر خلاف مصالح اجتماع قانون وضع نکند.

درس شانزدهم..... (بخش دوم)

به کوشش: «خانم زهرا جعفری»

۱- چرا برای هدایت فطرت و تعدیل غرائز وجود انبیاء لازم است؟

اگر فطرت هدایت شود انسان به اوج کمال می رسد و گرنه تحت تأثیر غرائز حیوانی تا اسفل السافلین سقوط می کند. بنابراین غرائز باید تعدیل شوند و فطریات نیاز به هدایت دارند و بدون تردید کسی می تواند این امر مهم را به عهد گیرد که کاملاً به اسرار و رموز خلقت انسان آگاه بوده و چگونگی تعدیل غرائز و هدایت فطریات را بداند و همانگونه که گفته شد دانشمندان اعتراف کرده اند که انسان موجودی ناشناخته و اسرار آمیز است.

۲- هدف بعثت انبیاء از نظر قرآن چیست؟

۱) پرورش و آموزش: هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه و ان کانا من قبل لفی ضلال مبین اوست خدایی که در میان عرب امی پیامبری از خودشان برانگیخت تا بر آنها آیات وحی خداوند را تلاوت کند و آنها را پاک نموده و کتاب و حکمت را بیاموزد. پیش از این در جهالت و گمراهی بودند. تردیدی نیست که نخستین پایه تکامل مادی و معنوی انسان علم است زیرا یافتن راه کمال بدون علم ممکن نیست و قطعاً منظور از علم در آیات فوق علوم مادی نیست زیرا علوم مادی تنها ضامن آسایش دنیاست و انبیاء ضامن سعادت و آسایش دنیا و آخرت انسانها هستند. ۲) عبادت خداوند و اجتناب و مبارزه با طاغوت: و لقد بعثنا فی کل امه رسولا ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت ... به تحقیق فرستادیم در هر امتی رسولی که مردم را به عبادت خداوند و دوری از طاغوت دعوت کند. ۳) تأمین عدالت و آزادی: لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط ... ما یامبران را با دلیلهای روشن فرستادیم و همراه آنها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم گرایش به عدالت پیدا کنند.

۳- راه شناسایی پیامبران چیست؟

۱- معجزه ۲- معرفی توسط پیامبر قبلی ۳- ویژگی ها و خصوصیات فردی و اخلاقی مدعی نبوت.

۴- معجزه چیست جهات آن را بیان کنید؟

معجزه کار خارق العاده ای است که مدعی نبوت آن را برای اثبات ارتباط خود با خداوند متعال انجام می دهد و همه را برای مقابله و معارضه دعوت می کند و هیچ کس نمی تواند مانند آنرا انجام دهد؛ بنابراین معجزه سه جهت دارد:

۱) کاری که از توانایی نوع بشر (حتی نوابغ) خارج باشد.

۲) آورنده معجزه ادعای منصب نبوت و رسالت نموده و عمل او مطابق ادعای او باشد.

۳) جهانیان از مقابله و معارضة (آوردن مانند آن) عاجز و ناتوان باشند.

درس هفدهم.....نبوت عامه (بخش سوم)

به کوشش: «خانم مریم نجف زاده»

۱- فرقه‌های معجزه و سحر و کارهای مرتاضان را بیان کنید؟

۱) کارهای مرتاضان و ساحران تمرینی است و آنها استاد می‌بینند از این جهت کارهای آنها محدود به اموری است که استادش را دیده و تمرین کرده اند و قادر به انجام هر کاری نیستند اما پیامبران معلم و استادی نداشته اند و قادر بانجام هر کاری بوده اند مثلاً از حضرت صالح می‌خواهند که از کوه شتری خارج کند و او انجام داد، و یا وقتی از مریم درباره فرزندش سوال می‌کنند حضرت عیسی علیه السلام که در گهواره کودکی چند روزه است می‌فرماید: انی عبد الله اتینی الكتاب و جعلنی نبیا من بنده خدا هستم که خداوند به من کتاب داده و مرا پیغمبر کرده است؛ یا وقتی از حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم معجزه خواستند سنگریزه‌ها در دست حضرت شهادت به رسالت آن حضرت داد. ۲) کارهای ساحران و مرتاضان محدود به زمان و مکان و شرایط خاصی است و محتاج به ابزار معینی می‌باشند ولی معجزات پیامبران چونکه از نیروی لایزال الهی سرچشمه گرفته هیچ محدودیتی ندارد و هر معجزه‌ای را در هر موقعیتی انجام می‌دادند. ۳) کار ساحران و مرتاضان غالباً با هدف مادی همراه است (یا برای جمع مال یا جلب نظر مردم و امور دیگر) اما هدف انبیاء سختن انسانهای شایسته و جامعه ایده آل بود می‌فرمودند: و ما استلکم علیه من اجران اجری الاعلی رب العالمین من از شما مزد نمی‌خواهم مزد من فقط بر پروردگار عالمیان است. ۴) عمل ساحران و مرتاضان قابل معارضة است یعنی دیگران هم می‌توانند مثل آن را انجام دهند اما کسی نمی‌تواند مانند معجزه پیامبران را بیاورد.

۲- چرا هر پیغمبری معجزه‌ای مخصوص به خود داشت؟

هنگامی که خداوند حضرت موسی علیه السلام را به رسالت برانگیخت فن رایج در زمان او سحر بود او هم از طرف خداوند معجزاتی شبیه فن رایج آن عصر آورد که مقابله با آن برای کسی ممکن نبود و با معجزات خود سحرهای ساحران را باطل ساخت و حجت را بر آنها تمام نمود، وقتی حضرت عیسی علیه السلام برای هدایت مردم مبعوث شد طبابت و پزشکی رونق بسزایی داشت او از طرف خداوند با معجزاتی شبیه فن رایج زمان خود برانگیخته شد و کسی نمی‌توانست با او مقابله کند او با زنده کردن مردگان و شفا بخشیدن به نابینایان و بیماران مبتلا به برص حجت را بر مردم آن زمان تمام نمود، وقتی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم از ناحیه خداوند مبعوث گردید فصاحت و بلاغت، خطبه و انشاء، فن رایج عصر او بود، حضرت از جانب خداوند برای آنان نصایح و حکم و مواعظ و نصایح خود را در قالب کلام فصیح و بلیغ ریخت (قرآن) و حجت را بر آنها تمام نمود و قول آنها را باطل ساخت.

۳- قرائن و شواهد قطعی شناخت انبیاء چیست؟

۱) بررسی خصوصیات روحی و اخلاقی کسی که ادعای پیامبری دارد (از قرینه های صداقت مدعی نبوت داشتن صفات عالی و اخلاق فاضله انسانی است بطوریکه بین مردم مشهور به پاکی و فضیلت بوده باشد). ۲) بررسی محتویات آئین و دستورات او از نظر عقلی و منطبق بودن آئینش با معارف الهی و فضائل انسانی، قرینه دیگری است. ۳) ثبات و استقامت او در دعوت و مطابقت عمل او با قولش. ۴) بررسی وضع پیروان او و شناخت مخالفینش. ۵) چگونگی تبلیغ او و همچنین توجه به اینکه برای اثبات آئینش از چه وسائل و چه راه هایی استفاده می کند.

درس هیجدهم.....نبوت عامه (بخش چهارم)

به گوشش: «خانم رعنا نجف زاده»

۱- چگونه ممکن است انسانها از گناه و حتی فکر و خیال آن معصوم باشند؟

خود ما در اموری که علممان از مغز به دل رسید و به اصطلاح به یقین رسیدیم مرتکب خلاف و خطائی نمی شویم. آیا هیچ انسان عاقلی به فکر خوردن آتش و کثافات می افتد؟ آیا هیچ انسان با شعوری خود را در گودالی از آتش می اندازد یا کاسه ای پر از سم و زهر را می نوشد؟ حتما در جواب این سوالات خواهید گفت هیچ عاقلی این کارها را نکرده و حتی آرزو یا فکر آنرا هم در سر ندارد و اگر کسی چنین کرد مبتلا به یک نوع بیماری است. در نتیجه هر انسان عاقل در برابر چنین اعمالی یک نوع مصونیت و یا به تعبیر دیگر یک نوع عصمت دارد و اگر از شما پرسند چرا انسان در مقابل این کارها معصوم است می گوید به علت اینکه عیب و ضرر حتمی آنها را یقین و باور دارد و می داند که ارتکاب آن اعمال جز نابودی و نیستی چیزی به دنبال ندارد بنابراین اگر انسانی به مفاسد و زیانهای گناه یقین و باور پیدا کند با غلبه نیروی عقل بر شهوات هرگز گرد گناه نمی گردد و حتی فکر آنرا در مغز راه نمی دهد.

۲- عصمت انبیاء و امامان اکتسابی یا خدادادی است؟

نیروی عصمت در انبیاء و امامان اجباری نیست یعنی اینطور نیست که آنها به پاکی مجبور باشند بلکه مانند همه مردم کاملاً توانایی بر انجام گناه دارند ولی چون از یک طرف مفاسد و خطرات گناه را می دانند و از سوی دیگر معرفت و شناخت آنها نسبت به خداوند متعال بسیار وسیع است بطوریکه همیشه خویشتن را در محضر خداوند می بینند از این نظر با اراده و اختیار خویش گناه و تا پاکی را ترک کرده و گرد آن نمی روند بنابراین عصمت انبیاء و امامان علیهم السلام نتیجه اراده و انتخاب خودشان و تلاشی پیکر و فداکاریهای بی دریغشان در راه خداوند متعال است.

۳- فلسفه امتیاز معصومین به فرمایش امام صادق علیه السلام چیست؟

عن ابی عبدالله علیه السلام: ان الله اوحی الی موسی فقال یا موسی انی اطلعت الی خلقی اطلعه فلم اجد فی خلقی اشد تواضعالی منک فمن ثم خصصتک بوحیی و کلامی من بین خلقی... امام صادق علیه السلام

فرمودند: خداوند به موسی وحی فرستاد که من به همه انسانها توجهی کردم و در بین آنها تواضع تو را نسبت به خودم از همه کس بیشتر یافتم پس به همین جهت تو را به وحی خود اختصاص داده و از بین همگان برگزیدم.

درس نوزدهم.....نبوت عامه (بخش پنجم)

به کوشش: «خانم شبنم آذری»

۱- برای اینکه بفهمیم قرآن نسبت گناه به انبیاء نداده به چه نکاتی باید توجه کنیم؟

۱) مقصود از عصمت انبیاء همان گونه که قبلا توضیح دادیم این است که انبیاء کار حرام و گناه نمی کنند اما کاری که ترک آن بهتر است ولی انجام آن حرام نیست از انبیاء گذشته ممکن و جایز است و هیچ منافاتی با عصمت آنان ندارد.

۲) نکته مهم توجه کردن به معنای صحیح کلمات قرآن است زیرا قرآن بر لغت عرب نازل شده است و باید دید که فرهنگ عرب کلمات قرآن را چگونه معنی کرده است ولی متاسفانه گاهی در اثر بی توجهی به این مهم برخی آیات قرآن نادرست معنی می شود. ۳) توجه جدی به تفسیرهایی که از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام برای آیات قرآن شده است، زیرا آنان مفسر اصلی قرآنند.

۲- منظور از عسی آدم ربه فغوی چیست؟

و عسی آدم ربه فغوی: بعضی این آیه را اینگونه معنی کرده اند: آدم معصیت کرد پروردگار خود را پس گمراه شد در حالیکه معنای صحیح آیه چنین است: و نافرمانی کرد آدم پروردگارش را پس بی بهره شد. مرحوم طبرسی در مجمع البیان ذیل آیه می گوید: آدم مخالفت نمود امر پروردگارش را پس از ثواب آن بی بهره شد و مراد از معصیت و عصیا، مخالفت با امر است خواه آن امر واجب باشد یا مستحب، محدث قمی در سفینه البحار، واژه عصم از مرحوم مجلسی چنین نقل می کند: ان ترک المستحب و فعل المکره قدسمی ذنباً ترک مستحب یا انجام مکروه را نیز گاهی ذنب و عصیان می گویند. برای اثبات آنچه گفته شد ابتدا به لغت مراجعه می کنیم: المنجد (یکی از فرهنگهای مشهور) می نویسد عصیان ترک اطاعت و فرمانبرداری نکردن است و همچنین یکی از معانی غوی: (خاب) یعنی بی بهره شدن و دچار ضرر شدن است. اگر به داستان آدم و حوا در این مورد توجه شود معلوم می شود که منظور از عصیان (عسی) انجام حرام یا ترک واجب نبوده است.

۳- منظور از ظلمت نفسی فاغفر لی چیست؟

معنای آیه چنین می باشد که موسی می گوید: پروردگارا من با کشتن یکی از یاران فرعون عملی در غیر مورد انجام دادم هر چند کشتن او بر من جایز بود اما الان موقعش نبود. فاغفر لی یعنی خداوند بر این کار من پرده ببوشان تا دشمنان بر من ظفر نیابند پس هیچ گونه گناه و ظلم حرام به موسی نسبت داده نشده است.

درس بیستم.....نبوت عامه (بخش ششم)

به کوشش: «خانم مریم قویدل»

۱- مقصود از ذنب و غفران در اول سوره فتح چیست؟

امام رضا (ع) در توضیح آیه مذکور فرموده اند: از نظر مشرکین مکه هیچ فردی گناهی بیشتر از پیغمبر اسلام نبود زیرا هنگامیکه آن حضرت قوم خود را به توحید و خدای یگانه دعوت می کرد آنها دارای سب و شتمت بت بودند و آنها را عبادت می کردند، پس وقتی حضرت آنها را به خدای یگانه خواند بسیار بر آنها گران آمد و گفتند آیا خدایان متعدد را یک خدا قرار داد؟ همانا این چیزی شکفت آور است ما چنین چیزی نشنیده ایم پس بروید و بر عبادت بتها بمانید. پس زمانی که خداوند مکه را برای پیامبر خود فتح کرد به او فرمود: انا فتحنا لک ... یعنی فتحی آشکار برای تو کردیم تا بپوشانیم برای تو آن ذنبی که در نزد مشرکین داشتی و آنها را به خدای یگانه خوانده بودی، زیرا روز فتح مکه جمعی از مردم مکه مسلمان شدند و بعضی خارج شدند و آنها هم که ماندند قدرت نداشتند که یگانگی خداوند را انکار کنند پس گناه و ذنبی که مردم مکه برای پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می شمردند با پیروزی و غلبه آن حضرت بر آنان پوشیده شد و مستور گردید.

۲- تعداد پیامبران و اسامی اولوالعزم را بیان کنید؟

عن ابی جعفر علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ... کان عدد جمیع الانبیاء ماه الف نبی و اربعه و عشرين الف نبی خمسة منهم اولوا العزم: نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد صلی الله علیه و آله ... رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: تعداد همه پیامبران یکصد و بیست و چهار هزار نفر است که پنج نفر از آنان اولوالعزم هستند: نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، محمد صلی الله علیه و آله و سلم. روایت دیگری به همین مضمون در بحار الانوار جلد یازده ذکر شده است.

درس بیست و یکم.....نبوت خاصه (بخش اول)

به کوشش: «خانم زینب حسینی»

۱- ویژگیهای قرآن را بیان کنید؟

۱) مرز زمان و مکان را در هم شکسته و تا قیامت معجزه است. ۲) قرآن معجزه ای روحانی است یعنی معجزات دیگر چشم و گوش را تسخیر می کند ولی قرآن در اعماق جان و روان نفوذ می کند. ۳) قرآن یک معجزه گویا است که برای همیشه تا قیامت مخالفان را به مبارزه دعوت می کند و می گوید اگر می توانید سوره ای مانند من بیاورید و چهارده قرن از این دعوت گذشته و کسی نتوانسته مقابله کند و تا قیامت هم نمی توانند.

۲- داستان ولید بن مغیره در اعجاز قرآن چیست؟

ولید از پیامبر اسلام خواست آیاتی از قرآن را بر او بخواند حضرت قسمتی از آیات سوره حم سجده را تلاوت فرمود این آیات چنان شور و هیجان در ولید ایجاد کرد که بی اختیار از جا برخاست و به محفل دشمنان آمده و گفت: به خدا سوگند از محمد سخنی شنیدم که نه شبیه گفتار انسانها است و نه پریان... و آن که لحلاوه و آن علیه لطلاوه و آن اعلاه لمثمر و آن اسفله لمغدق و انه یعلوا و لا یعلی علیه گفتار او شیرینی خاص و زیبایی مخصوص دارد بالای آن همچون شاخه های درخت پر ثمر و ریشه آن پرمایه است گفتاری است که بر هم چیز پیروز می شود و چیزی بر آن پیروز نخواهد شد این سخن سبب شد که در میان قریش گفتند ولید دلباخته محمد شده و مسلمان شده است.

۳- حضرت علی علیه السلام درباره قرآن چه فرموده اند؟

حضرت علی (ع) درباره قرآن می فرماید: و ان القرآن ظاهره انیق و باطنه عمیق لاتفتی عجائبه و لا تنقضی غرائبہ بدرستیکه قرآن ظاهری زیبا و باطنی عمیق دارد شگفتیهایش پایان ندارد و غرائب و تازگیهایش تمام نمیشود.

درس بیست و دوم.....نبوت خاصه (بخش دوم)

به کوشش: «خانم زهرا جعفری»

۱- بطور فشرده ترسیمی که قرآن از جهان هستی دارد بیان کنید؟

ترسیمی که قرآن از جهان هستی می کند بسیار دقیق و حساب شده است توحید را به کاملترین صورت بین می کند، اسرار

آفرینش زمین و آسمان و خلقت شب و روز و وجود انسان و ... را به عنوان نشانه های وجود خداوند با بیانات بسیار متنوع می شمرد گاه سخن از توحید فطری و گاه به توحید استدلالی می پردازد پیرامون احاطه خداوند به همه چیز تعبیرات بلند دارد، هنگامی که سخن از معاد و قیامت به میان می آورد در برابر تعجب مشرکان میگوید: آیا کسی که آسمانها و زمین را با آنهمه عظمت آفرید نمی تواند مثل شما را بیافریند آری او قادر و آفریننده داناست قدرتش تا حدی است که هر چیزی را اراده کند، فرمان می دهد موجود باش و آن فوری موجود می شود و خلاصه قرآن کتابی است که فقط آورنده اش (پیامبر) و مفسرینش (امامان معصوم) آنرا بطور کامل شناختند و در عین حال قرآن همیشه برای ما هم طراوت و شادابی خاصی دارد هر چه بخانیم شادابتر می شویم چون بهار دلها است آری قرآن همیشه تازه است و تا ابد زنده است زیرا معجزه جاویدان حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم است.

۲- دلایل خاتمیت پیامبر گرامی اسلام را بیان کنید؟

۱) ضروری بودن خاتمیت. ۲) آیات قرآن. ۳) احادیث فراوان.

۳- با توجه به تحول و دگرگونی که همیشه در جامعه هست چگونه می شود اسلام خاتم ادیان و پیامبرش خاتم پیامبران باشد؟

۱) دین اسلام با فطرت انسانها هماهنگ است و روشن می باشد که در فطریات هیچگونه تغییری نیست. فاقم وجهک للدين حنيفا فطره الله التي قطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله ذلك الدين القيم و لكن اكثر الناس لا يعلمون پایدار باش برای دین حنیفی که مطابق فطرت است آن فطرتی که خداوند انسانها را بر اساس آن آفرید و هیچ تبدیل و تغییری در آن نیست. ۲) دین اسلام تکیه اش بر ثقلین (قرآن و اهل بیت پیامبر (ص)) می باشد. قرآن از ناحیه علم بی نهایت صادر شده و همچنین اهل بیت (ع) متکی بر وحی الهی هستند و طبق فرمایش پیامبر اکرم (ص) در حدیث مشهور ثقلین این ها تا قیامت جدانشدنی و همراه یکدیگر هستند بنابراین اسلام همیشه زنده، پیشتاز، بدون تغییر، پاسخگوی بشریت است.

درس بیست و سوم..... امامت

به کوشش: «خانم مریم نجف زاده»

۱- دلیل لطف برای لزوم امام را توضیح دهید؟

به عقیده شیعه لطف و محبت گسترده خداوند و حکمت بی انتهای او ایجاب می کند که پس از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز مردم بی رهبر نباشند یعنی همان دلیلی که برای لزوم بعثت بیان شد ایجاب می کند که پس از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز امامی باشد که بتواند جامعه را همانند خود آن حضرت بسوی سعادت دنیوی و اخروی رهبری کند و ممکن نیست که خداوندی چنین مهربان جامعه انسانها را پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بی سرپرست و رهبر گذارد.

۲- فشرده ای از مناظره هشام بن حکم با عمرو بن عبید را بیان کنید؟

هشام از شاگردان امام صادق علیه السلام است، می گوید روز جمعه ای وارد بصره شدم به مسجد رفتم عمرو بن عبید معتزلی (از دانشمندان اهل تسنن) نشسته بود و گروه زیادی اطرافش بودند و از او پرسشهایی می کردند، من هم در آخر جمعیت نشسته و پرسیدم ای دانشمند من اهل این شهر نیستم اجازه می دهی سوالی مطرح کنم؟ گفت هر چه می خواهی بپرس: گفتم آیا چشم داری گفت مگر نمی بینی ای چه سوال است؟! گفتم پرستشهای من اینگونه است گفت بپرس گرچه بی فایده است آری چشم دارم گفتم با چشم چه می کنی گفت دیدنیها را می بینم و رنگ و نوع آنها را تشخیص می دهم، گفتم آیا زبان داری؟ گفت دارم پرسیدم با آن چه می کنی گفت طعم و مزه غذاها را تشخیص می دهم گفتم آیا شامه داری؟ گفت آری گفتم با آن چه می کنی گفت بوها را استشمام کرده و بوی خوب و بد را تمیز می دهم گفتم آیا گوش هم داری؟ گفت آری پرسیدم با آن چه می کنی گفت صداها را می شنوم و از یکدیگر تمیز می دهم پرسیدم آیا غزای اینها قلب (عقل) هم

داری گفت دارم گفتم با آن چه می کنی گفت اگر دیگر اعضا و جوارح من دچار شک و تردید شوند قلبم شک آنها را برطرف می کند (پس قلب و عقل راهنمای جوارح است) هشام می گوید: او را تایید کردم و گفتم آری خداوند متعال برای راهنمایی اعضا و حواس قلب را آفریده است، ای دانشمند آیا صحیح است کسی بگوید خدائیکه چشم و گوش و دیگر اعضای انسان را بدون راهنما نگذاشته است، مسلمانان را پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بدون راهنما و پیشوا گذاشته است تا مردم گرفتار شک و تردید و اختلاف باشند تا نابود شوند؟ آیا هیچ عقل سالمی این مطلب را قبول می کند؟!

۳- چگونه از راه هدف آفرینش برای لزوم امام و رهبر استدلال می کنید؟

همه موجودات برای انسان آفریده شده اند و انسان برای عبادت و حرکت الی الله، تا به تکامل لایق خویش برسد و در این حرکت احتیاج به راهنما و رهبر دارد و امام راهنما و رهبر این حرکت است.

۴- چگونه با آیه ۱۲۸ برائت: لقد جائکم رسول ... برای امامت استدلال می کنید؟

لقد جائکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمومنین روف رحیم پیامبری برایتان آمده است که از خودتان می باشد گرفتاری و سختی شما برای او ناگوار و سخت است به همه شما علاقمند و به مومنان دلسوز و مهربان است. پیامبر اکرم (ص) همین که می خواست چند روز برای جنگ یا حج از مدینه خارج شود برای اداره مردم کسی را به جای خود می گماشت برای شهرها فرماندار می فرستاد بنابراین هرگز نمی توان باور کرد پیامبری که به تصریح قرآن نسبت به امت خود اینگونه دلسوز و مهربان است (که در زمان حیاتش حتی برای مدت کوتاهی مردم را بدون سرپرست نمی گذاشت) مردم را رها کرده و نسبت به امامت و جانشینی بعد از خود بی تفاوت بوده و آنها را سرگردان و بلا تکلیف گذاشته باشد در نتیجه عقل و فطرت سالم می گوید: پیامبری که از جزئی ترین مسائل مادی و معنوی مردم غفلت نداشته و همه چیز را بیان کرده است از مهمترین مساله یعنی رهبری و جانشینی بعد از خودش غافل نبوده و آن را با صراحت هر چه تمامتر بیان فرموده است.

درس بیست و چهارم..... عصمت و علم امام و روش تعیین امام

به کوشش: «خانم حمیده رضایی»

۱- دلیل قرآنی عصمت امام را بیان کنید.

و اذا ابتلی ابراهیم ربه بکلمات فاطمه قال انی جاعلک للناس اماما قال و من ذریتی قال لا ینال عهدی الظالمین و زمانیکه

خداوند ابراهیم را با حقایقی امتحان کرد و آنها را به اتمام رسانید به او گفت تو را به مقام امامت می رسانم ابراهیم گفت از نسل من هم کسی به امامت می رسد خداوند فرمود عهد من امامت به ستمگران نمی رسد.

۲- از نظر قرآن ظالمین چه کسانی هستند؟

۱) کسانی که شرک به خداوند بیاورند: یا بنی لا تشرک بالله ان الشرک لظلم عظیم لقمان به فرزندش می گوید شرک به خداوند نیاور بدرستیکه شرک ظلم بزرگی است. (ظلم به خدا)

۲) ظلم انسانی بر انسان دیگر: انما السبیل علی الذین یظلمون الناس و ییغون فی الارض بغير الحق اولئک لهم عذاب الیم راه تعرض بر علیه کسانی است که به مردم ظلم می کنند و در زمین به تا حق سرکشی می نمایند برای آنها عذابی دردناک است. (ظلم به خلق)

۳) ظلم انسان بر نفس خویش: فمنهم ظالم لنفسه و نهم مقتصد و منهم سابق بالخیرات بعضی مردم به نفس خویش ظلم می کنند و بعضی معتدلند و گروهی از آنها به نیکی سبقت می گیرند. (ظلم به خود)

۳- چرا امام از طریق شوری و یا انتخابات تعیین نمی گردد؟

زیرا شوری و انتخاب مربوط به کارهای مردم است و در دو آیه ای که مساله شوری بیان شده کلمه امر آمده: و امرهم شوری بینهم و شاورهم فی الامر مشورت در دو آیه مربوط به امور اجتماعی و کارهای مردم است و هرگز شامل عهد و پیمان خداوند نمی شود در آیه ۶۷ سوره قصص می فرماید: و ربکم یخلق ما یشاء و یختار ما کان لهم الخیره و پروردگار تو می آفریند هر چه را بخواهد و اختیار می کند و مردم در برابر اختیار خداوند حق اختیار ندارند.

۴- امام چگونه تعیین می شود؟

امامت و پیشوایی پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم همان انجام وظایف مقام رسالت است و تنها تفاوتی که بین رسول و امام است این است که پیامبر پایه گذار و موسس دین و دارای کتاب است و امام بعنوان جانشین او حافظ و نگهبان دین و مبین اصول و فروع و تعقیب کننده تمام وظایف مقام نبوت است و همانگونه که انتخاب پیغمبر از طرف خداست تعیین امام هم باید از طرف خداوند باشد و به تعبیر آیه ۱۲۴ از سوره بقره امامت عهد خداوند است.

درس بیست و پنجم..... امامت خاصه

به کوشش: «خانم نازنین تاری زاده»

۱- دلیل عقلی امامت علی علیه السلام را بیان کنید؟

دو مقدمه و یک نتیجه: ۱) حضرت امیر المومنین علیه السلام دارای جمیع کمالات نفسانی و فضائل انسانی همچون: علم، تقوی، یقین، صبر، زهد، شجاعت، سخاوت، عدالت، عصمت و سایر اخلاق حمیده بوده و بدون

تردید (حتی به اعتراف دشمن) در همه کمالات از دیگران افضل و بالاتر بوده و این فضائل در کتابهای شیعه و سنی فراوان ذکر شده است. (۲) از دیدگاه عقل ترجیح مرجوح بر راجح نارواست و هر گاه کسی که فضائل یاد شده را ندارد بخواهد پیشوای کسی شود که دارای این فضائل است ترجیح مرجوح بر راجح می شود. علاوه بر آن هدف از گزینش امام هدایت امت و تکمیل اخلاق و ایمان آنهاست و در مامت ناقص بر کامل این هدف بدست نمی آید. از این رو از دیدگاه عقل امام باید اعلم و افضل از همه مردم باشد تا بتواند هادی و راهنمای آنان قرار گیرد. نتیجه: بعد از دو مقدمه ای که روشن شد می گوئیم: با توجه به اینکه حضرت علی علیه السلام اعمل و افضل از همه مردم بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم است حتما او خلیفه و جانشین پیغمبر است و گرنه ترجیح مرجوح بر راجح می شود و غرض حاصل نمی گردد. علاوه بر آن قبلا بیان کردیم که از نظر عقل و نقل، امام باید معصوم بوده و از هر خطا و اشتباهی منزّه و مبری باشد و بطوریکه که در بحث بعدی ان شاء الله (از نظر قرآن و حدیث) ثابت خواهیم کرد این ویژگی هم مخصوص اهل بیت عصمت و طهارت می باشد بنابراین غیر از حضرت علی علیه السلام و یازده فرزندش هیچ کس لایق مقام امامت نخواهد بود.

۲- منظور از اهل البیت در آیه تطهیر چه کسانی هستند حدیثی نقل کنید؟

طبق احادیث متواتر و بیشماری که از طریق شیعه و سنی وارد شده است آیه تطهیر درباره پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت او نازل شده است؛ از جمله این احادیث: امام حسن علیه السلام ضمن خطبه ای فرمود: ما اهل بیتی هستیم که خدا درباره آنها فرمود: انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا. همچنین حضرت علی (ع) فرمود: رسول خدا هر روز صبح درب منزل ما تشریف آورده و می فرمود خدا شما را رحمت کند برای نماز بر خیزید، انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا. پیغمبر اکرم (ص) مدتی برنامه مذکور را ادامه داد که مصداق اهل البیت برای هم مشخص شود و به اهمیت موضوع توجه پیدا کنند.

۳- چرا نمی شود آیه تطهیر در شان زنها پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم باشد؟

(۱) این احتمال اجتهاد در مقابل نص است زیرا روایات زیادی که به حد تواتر رسیده و در شان نزول آیه آمده می گوید درباره پیغمبر و فاطمه و علی و حسن و حسین علیهما السلام می باشد. (۲) اگر درباره زنها پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بود باید به صورت خطاب مونت آمده باشد نه مذکر یعنی باید چنین باشد: انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا. (۳) آیه تطهیر بین آیه های قبل و بعد جمله معترضه است و این بین عربهای فصیح مرسوم است و در قرآن هم آمده: فلما رای قمیصه قد من دبر قال انه من کیدکن ان کیدکن عظیم یوسف اعرض عن هذا و استغفری لذنبک انک کنت من الخاطئین که جمله (یوسف اعرض عن هذا) خطاب به یوسف و معترضه است و قبل و بعدش خطاب به زلیخا می باشد.

۴- حدیث حضرت علی علیه السلام را در امامت دوازده امام بیان کنید؟

حضرت علی(ع) می فرماید: من در خانه ام السلمه در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودم که آیه، انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا نازل شد، به من فرمود این آیه درباره تو و فرزندان حسن و حسین و امامانیکه از نسل تو بوجود می آیند نازل شده است گفتم یا رسول الله صلی علیه و آله و سلم بعد از تو چند نفر به امامت می رسند؟ فرمود بعد از من تو امام می شوی بعد از تو حسن و بعد از حسن حسین بعد از حسین فرزندش علی بعد از علی فرزندش محمد بعد از محمد فرزندش جعفر بعد از جعفر فرزندش موسی بعد از موسی فرزندش علی بعد از علی فرزندش محمد بعد از محمد فرزندش علی بعد از علی فرزندش حسن و بعد از حسن فرزندش حجت به امامت می رسند نامهای ایشان به همین ترتیب بر ساق عرش نوشته شده بود از خدا پرسیدم اینها کیستند؟ فرمود امامهای بعد از تو می باشند پاک و معصومند و دشمنانشان ملعون هستند.

درس بیست و ششم.....قرآن و امامت حضرت علی(ع)

به کوشش: «خانم کلثوم ریش سفید»

۱- چگونه به آیه ولایت: انما ولیکم الله... برای امامت حضرت علی(ع) استدلال میکنید؟

خداوند در این آیه با توجه به کلمه انما که برای انحصار است ولی و سرپرست مسلمانان را در سه مورد خلاصه می کند (خدا، پیامبر، کسانی که ایمان آورده و نماز را به پا داشته و در حال رکوع زکات می پردازند). شان نزول آیه: از خود آیه ولایت و رهبری خدا و رسولش معلوم است اما قسمت سوم (و الذین آمنوا) از طریق شیعه و سنی احادیث بسیاری وارد شده که آیه در شان حضرت علی علیه السلام در حالیکه در رکوع انگشتری به سائل داد نازل شد.

۲- ولی در آیه انما ولیکم به چه معنایی است و دلیلش چیست؟

بعضی از اهل تسنن گفته اند ولی به معنای دوست و یاور است نه اولی به تصرف و صاحب اختیار. جواب: اولاً این سخن خلاف ظاهر و خلاف نص آیه است، به علاوه لفظ ولی به حسب وضع لغوی و استعمال عرفی در ولایت و صاحب اختیار بودن است و معانی دیگر محتاج به قرینه است چنانچه لفظ اولی در آیه شریفه: النبی اولی بالمومنین من انفسهم و مولی، در حدیث غدیر: من کنت مولاه هم صریح در معنای ولایت است. ثانیاً: در آیه ولایت کلمه انما برای حصر است و دوستی و یآوری منحصر به خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام نمی باشد بلکه جمیع مومنین با یکدیگر دوست هستند چنانچه خداوند می فرماید و المومنین و المومنات بعضهم اولیاء بعض. بنابراین چونکه صفت دوستی و یاری منحصر به خدا و رسولش و علی علیه السلام نیست و این صفت برای همه مومنین است و با توجه به اینکه آیه: انما ولیکم الله برای حکمی انحصاری است پس حتماً به معنای ولایت و رهبری است.

۳- وجه دلالت آیه: اطاعت اولو الامر را بیان کنید؟

۱) اطاعت از اولو الامر مقرون به اطاعت خدا و رسول خدا می باشد و چون اطاعت بطور مطلق واجب است باید آنها را بشناسیم. ۲) همانگونه که خداوند اطاعت رسول را واجب کرده و شخص رسول را معین کرده است، وقتی به اطاعت اولو الامر امر می کند باید آنها را معین کند و گرنه تکلیف ما لا یطاق می شود (یعنی اطاعت از شخصی که نمی شناسیم ممکن نیست). ۳) روایات متعدد شان نزول آیه (اولی الامر) را علی و یازده فرزندش معین کرده است.

۴- چگونه به آیه انذار و حدیث یوم الدار برای امامت علی (ع) استدلال می شود؟

حدیث یوم الدار: پیغمبر اکرم (ص) سال سوم بعثت مامور شد که دعوت خود را در مورد اسلام، علنی سازد و انذر عشیرتک الاقربین بستگان نزدیک خود را انذار کن. به دنبال این ماموریت پیغمبر (ص) بستگانش را به خانه ابوطالب دعوت کرد بعد از طرف غذا چنین فرمود: ای فرزندان عبدالمطلب به خدا قسم هیچ کس را در عرب نمی شناسم که برای قومی چیزی بهتر از آنچه من آورده ام آورده باشد من خیر دنیا و آخرت را برای شما آوردم و خداوند به من دستور داده است که شما را به توحید و یگانگی وی و رسالت خودم دعوت کنم، کدامیک از شما مرا یاری خواهید کرد تا برادر من و وصی و جانشین من باشید هیچ کس تمایلی به این امر نشان نداد مگر علی (ع) که برخاست و عرض کرد یا رسول الله من در این راه یار و یاور تو هستم، تا سه مرتبه پیامبر اکرم (ص) این جملات را تکرار کرد و کسی جز علی (ع) پاسخ نداد در این موقع پیغمبر اکرم (ص) دست بر گردن علی (ع) گذاشت و فرمود: ان هذا اخی و وصیی و خلیفتی فیکم فاسمعوا له و اطیعوه بدرستی که این علی برادر و وصی و جانشین من در میان شماست سخن او را بشنوید و فرمانش را اطاعت کنید.

درس بیست و هفتم.....آیه تبلیغ و امامت علی(ع)

به گوشش: «خانم سمیه موسی پور»

۱- چرا آیه تبلیغ بر امامت علی (ع) دلالت می کند؟

لحن آیه سخن از ماموریتی سنگین است که با ترک آن رسالت ناقص است و حتما مربوط به توحید و مبارزه و غیر آن نبود زیرا تا زمان نزول آیه این مسائل کاملاً حل شده بود و با توجه به اینکه آیه در سال آخر عمر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده بدون تردید مربوط به مساله امامت و جانشینی پیامبر می باشد و حتی گروه عظیمی از دانشمندان اهل سنت (از مفسران و مورخان) اعتراف کرده اند که آیه مذکور درباره حضرت علی علیه السلام و داستان روز غدیر نازل شده است. مرحوم علامه امینی در کتاب شریف الغدیر حدیث غدیر را از صد و ده نفر از صحابه و از سیصد و شصت دانشمند و کتاب معروف اسلامی نقل کرده اند و هیچ کس در صدور حدیث تردید نکرده است بگونه ای که اگر جز این آیه تبلیغ و حدیث غدیر هیچ آیه و حدیث دیگری هم نبود برای اثبات خلافت بلافصل علی علیه السلام کافی بود.

۲- خلاصه ای از حدیث شریف غدیر را بیان کنید؟

پیامبر گرامی اسلام در سال دهم هجرت به مکه عزیمت نموده تا فریضه حج بگذارند این آخرین حج حضرت بود لذا در تاریخ به آن حجه الوداع می گویند همراهان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را در این سفر تا صد و بیست هزار نقل کرده اند هنگام بازگشت به مدینه روز هیجدهم ذیحجه در غدیر خم (محلّی بین مکه و مدینه) جبرئیل نازل شد و این آیه را آورد: یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغ رسالتک و الله یعصمک من الناس ان الله لا یهدی القوم الکافرین. پیش از آنکه مسلمانان متفرق شوند پیامبر اکرم (ص) دستور توقف دادند آنها که گذشته بودند به بازگشت دعوت شدند و آنها که عقب بودند رسیدند هوا بسیار داغ و سوزان بود مسلمانان نماز ظهر را با پیامبر (ص) اداء کردند، بعد از نماز حضرت خطبه ای خواندند و در ضمن آن فرمودند: من به زودی دعوت خدا را اجابت کرده و از میان شما می روم سپس فرمود ای مردم آیا صدای مرا می شنوید گفتند آری پیامبر فرمود: یا ایها الناس من اولی الناس بالمومنین من انفسهم مردم چه کسی به مومنین از خودشان سزاوارتر است گفتند خدا و پیامبر داناترند حضرت فرمود: خدا مولی و رهبر من است و من مولی و رهبر مومنانم و نسبت به مومنان از خودشان سزاوارترم سپس دست علی (ع) را بلند کرده چنانچه سفیدی زیر بغل هر دو نمایان شد سپس افزود: من کنت مولاة فعلی مولاة هر کس من مولا و رهبر او هستم علی مولا و رهبر اوست این سخن را سه بار تکرار کرد سپس سر به جانب آسمان بلند کرده و فرمود: اللهم و ال من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصره و اخذل من خذله، فرمود همه حاضران این خبر را به غائبان برسانند هنوز صفوف جمعیت از هم متفرق نشده بود که جبرئیل نازل شد و این آیه را بر پیغمبر (ص) آورد: الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا امروز دینتان را کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام کردم و راضی شدم که اسلام دین شما باشد. در این هنگام پیغمبر اکرم (ص) فرمود: الله اکبر علی اکمال الدین و اتمام النعمه و رضی الرب برسالتی و الولاية لعلی من بعدی خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است بر کامل نمودن دین و تمام کردن نعمت و رضایت پروردگار به رسالت من و ولایت علی (ع) بعد از من در این هنگام شور و غوغایی در میان مردم افتاد و همگان به علی (ع) این مقام را تبریک گفتند حتی عمر در حضور مردم به علی (ع) گفت بخ بخ لک یابن ابيطالب اصیحت و امسیت مولای و مولا کل مومن و مومنه آفرین و تبریک بر تو یا علی که صبح و عصر کردی در حالیکه مولای من و هر مومن و مومنه هستی.

۳- چرا کلمه مولی در حدیث غدیر فقط برای ولایت و رهبری است؟

۱) خود پیغمبر (ص) قبل از معرفی علی (ع) فرمود: من اولی الناس بالمومنین من انفسهم و سپس جمله من کنت مولاة فعلی مولاة را فرمود: پس همانطور که جمله قبل در ولایت است جمله بعد هم باید چنین باشد تا ارتباط دو جمله محفوظ باشد. ۲) آیه تبلیغ که قبل از معرفی علی (ع) نازل شد خطاب به پیغمبر می فرماید: اگر وظیفه ات را انجام ندهی رسالت ناقص است، آیا اگر پیغمبر اعلام دوستی نمی کرد رسالت ناقص بود؟ بعلاوه پیامبر (ص) بارها محبت و دوستی شدیدش را نسبت به حضرت علی (ع) بیان فرموده و این مطلب ناگفته و جدید نبود. ۳) آیا معقول است پیامبری که: ما ینطق عن الهوی در آن بیابان سوزان و گرمای شدید هزاران نفر را معطل کرده و بگوید: مردم هر کس من دوست او هستم علی هم دوست اوست؟! ۴) آیه ای که بعد از معرفی نازل شد: الیوم ... امروز دین کامل شد نعمتها را بر شما تمام کردم، اسلام را بر شما پذیرفتم. و آیه دیگر: الیوم یس ... امروز کفار از شما مایوس شدند، آیا همه اینها به خاطر این بود که پیغمبر (ص) را به دوستی خود معرفی کرده است؟! ۵) آن همه شادباش و تبریک (حتی از عمر) آیا برای دوستی پیامبر (ص)

بوده آیا این مطلب تازه ای بود؟! (۶) پیامبر گرامی اسلام (ص) و امامان معصوم روز غدیر را از بزرگترین اعیاد رسمی مسلمانان اعلام کردند تا هر سال این خاطره تجدید شود آیا اعلام دوستی باعث شد این روز از بزرگترین اعیاد اسلام شود؟! (۷) در آیه قبل از معرفی آمده: و الله نعصمک من الناس، آیا پیامبر اکرم (ص) از اعلام دوستی نسبت علی علیه السلام دلهره داشت که خداوند فرمود: خدا تو را از دشمنان حفظ می کند یا مساله مهم امامت و جانشینی او بوده است؟! (۸) اشعاری که شاعران و ادیبان از آن زمان تا الان درباره غدیر سروده اند همه آنها خطبه غدیر را مربوط به ولایت و امامت دانسته اند و جانشینی حضرت علی (ع) را بیان کرده اند این اشعار را مرحوم علامه امینی در جلد اول الغدیر آورده است. (۹) امیر المومنین و امامان (ع) در موارد متعددی به حدیث غدیر برای امامت خود احتجاج می کردند و همه از کلام آنها ولایت و رهبری فهمیده و مجاب می شدند. (۱۰) مرحوم علامه امینی در جلد اول الغدیر صفحه ۲۱۴ از مفسر و مورخ معروف اهل سنت (محمد بن جریر طبری) نقل می کند که پیامبر اکرم (ص) بعد از نزول آیه تبلیغ فرمود: جبرئیل از طرف خدا دستور آورد که در این جایگاه بایستم و به هر سیاه و سفید اعلام کنم که: علی فرزند ابی طالب برادر من، وصی من، جانشین و امام پس از من است.

درس بیست و هشتم..... حضرت مهدی (ع) (بخش اول)

به کوشش: «خانم صغری موسی پور»

۱- حدیثی از پیغمبر اکرم (ص) درباره ظهور و عدالت گستری حضرت مهدی علیه السلام بیان کنید؟

قال رسول الله (ص): یخرج فی آخر الزمان رجل من ولدی اسمه کاسمی و کنیته ککنیتی یملأ الارض عدلا کما ملئت جورا فذلک هو المهدی در آخر زمان مردی از فرزندان من قیام می کند که اسمش مانند اسم من و کنیه اش مانند کنیه من است زمین را پر از عدل می کند همانطور که از ظلم پر شده است و آن مرد حضرت مهدی است. قال النبی (ص): لو لم یبق من الدهر الا یوم لبعث الله رجلا من اهل بیتی یملاها عدلا کما ملئت جورا اگر از عمر دنیا باقی نماند مگر یک روز خداوند بر می انگیزد مردی از اهل بیت مرا تا دنیا را پر از عدل کند همانگونه که از ظلم پر شده است. قال رسول الله (ص): لا تذهب الدنيا حتی یقوم من امتی رجل من ولد الحسین یملا الارض عدلا کما ملئت ظلما دنیا از بین نمی رود تا اینکه مردی از امت من و از فرزندان حسین قیام کند که زمین را پر از عدل کند همانگونه که از ظلم پر شده است.

۲- چرا تولد حضرت مهدی علیه السلام مخفیانه بود؟

علت مخفی بودن تولدش این بود: میلاد آن حضرت مقارن زمانی بود که خلفای ستمگر و جابر عباسی بر ممالک اسلام سیطره داشتند آنها به مصداق احادیث بسیار می دانستند که از امام حسن عسگری (ع) فرزندی به جهان خواهد آمد و ریشه ستمگران را قطع می کند لذا آنها در کمین بودند تا هر گونه اثری را از قائم آل محمد نابود کنند چنانچه متوکل عباسی در سال ۲۳۵ هجری قمری فرمان داد حضرت هادی (ع) و بستگانش را از مدینه به سامراء (پایتخت حکومت) آوردند و در محله ای به نام عسکر تحت نظر قرار دادند و نیز معتمد

عباسی به شدت در پی یافتن نوزاد امام عسگری (ع) بود و به گروهی مفتش و قابله تکلیف کرده بود که منازل علویین و مخصوصا خانه امام حسن عسگری (ع) را گاه و بی گاه بازرسی کنند تا اگر نوزادی یافتند که گمان است منجی بشریت باشد او را بی درنگ نابود کنند.

۳- فشرده ای از خصوصیات حضرت مهدی علیه السلام را بنویسید؟

۱) نور آن حضرت در میان انوار امامان (ع) مانند ستاره درخشان در میان کواکب است. شرافت نسب از طرف پدر سلسله امامان و پیغمبر اکرم (ص) و از طرف مادر قبصر روم تا شمعون الصفا وصی حضرت عیسی (ع) می باشد. ۳) روز ولادت آن حضرت را به عرش بردند و از طرف خداوند خطاب شد مر جبا به تو ای بنده من برای نصرت دین من و اظهار امر من مهدی بندگان من ۴) میان کنیه و اسم رسول خدا (ص) برای حضرت جمع شده است. ۵) وصایت به آن حضرت ختم شده است و همانگونه که پیغمبر اکرم (ص) خاتم الانبیاء است حضرت مهدی (ع) خاتم الاوصیاء است. ۶) از روز ولادت به روح القدس سپرده شده و در عالم نور و فضای قدسی تربیت شده و مجالست با ملا اعلی و ارواح قدسیه دارد. ۷) بیعت احدی از جباران و طاغوتها در گردن آن حضرت نبوده و نیست و نخواهد بود. ۸) برای ظهور آن حضرت آیات غریبه و علامات سماویه و ارضیه ظاهر می شود که برای هیچ حجتی نبوده است. ۹) نزدیک ظهورش منادی آسمانی با اسم آن حضرت ندا می کند. ۱۰) مصحفی که امیر المومنین (ع) بعد از رحلت رسول خدا (ص) جمع کرده و مخفی بود ظاهر می شود. ۱۱) ابر سفیدی همیشه بر سر آن حضرت دیده می شود. ۱۲) طول عمر و گردش شب و روز در مزاج و اعضاء و هیات آن حضرت تاثیر نمی کند به طوری که هنگام ظهر به صورت یک مرد سی یا چهل ساله می باشد. ۱۳) زمین در زمان ظهورش گنجهای و ذخیره هایش را ظاهر می کند. ۱۴) عقلهای مردم به برکت وجود آن حضرت تکمیل می شود دست مبارکش را بر سر مردم می گذارد و کینه و حسد از دلهای مردم بیرون می رود و علم در دلهای مومنین جای می گیرد. ۱۵) اصحاب آن حضرت عمرشان بسیار طولانی می شود. ۱۶) ناراحتی و امراض و بلاها و ضعف از بدن یاران آن حضرت زائل می شود به طوریکه هر کدام قدرت چهل مرد را دارند. ۱۷) مردم به نور آن حضرت از نور آفتاب و ماه بی نیاز می شوند. ۱۸) علم رسول الله (ص) نزد آن حضرت است. ۱۹) سلطنت و حکومت آن حضرت مشرق و مغرب و عالم را فرا می گیرد؛ تمام زمین پر از عدل و داد می شود. ۲۰) جمعی از مردگان زنده شده و در رکاب حضرت حاضر می شوند، از جمله: بیست و هفت نفر از اصحاب موسی (ع) و هفت نفر اصحاب کهف و یوشع بن نون، سلمان، ابوذر، مقداد، مالک اشتر، و آنان حاکمان شهرها می شوند و هر کس چهل صباح دعای عهد را بخواند از یاران آن حضرت است و اگر پیش از ظهور حضرت بمیرد خداوند او را زنده می کند تا در خدمت آن بزرگوار باشند. ۲۱) احکام مخصوصه ای که تا عهد آن حضرت اجرا نشده بود اجراء می کند. ۲۲) تمام علوم را که بیست و هفت حرف است و تا آن زمان دو حرفش ظاهر شده منتشر و ظاهر می کند. ۲۳) زره رسول خدا (ص) که بر قامت هیچ کس اندازه نیست به اندازه قد و قامت آن حضرت است. ۲۴) نقیبه کردن از کفار و مشرکین در زمان او برداشته می شود. ۲۵) بینه و شاهد از هیچ کس نمی خواهد و آن حضرت مانند حضرت داود به علم امامت حکم می کند. ۲۶) از پشت کوفه که مقر سلطنت آن حضرت است دو نهر آب و شیر از سنگ حضرت موسی علیه السلام همیشه بیرون می آید. ۲۷) حضرت عیسی (ع) برای یاری حضرت از آسمان نزول می کند و پشت سر آن حضرت نماز می خواند. ۲۸) سلطنت جباران و دولت ظالمین دنیا به ظهور حضرت به پایان می رسد.

درس بیست و هشتم..... حضرت مهدی (ع) (بخش دوم)

به کوشش: «خانم صغری موسی پور»

۱- فشرده ای از شمائل امام زمان (ع) را بیان کنید.

۱) سفید رو که سرخی به آن آمیخته است. ۲) گندم گون که از بیدای شب مایل به زردی است. ۳) پیشانی فراخ و سفید و تابان. ۴) ابروان بهم پیوسته و بینی مبارک باریک و بلند. ۵) خوش صورت. ۶) نور رخساش غالب بر سیاهی محاسن و سر مبارکش می باشد. ۷) بر گونه راست حضرت خالی است مانند ستاره. ۸) چشمان سیاه و سرمه گون و در سر حضرت علامتی است. ۹) میان دو کتف عریض. ۱۰) روایت شده: المهدی طاووس اهل الجنة و وجهه كالقمر الدری علیه جلابیب النون (حضرت مهدی علیه السلام طاووس اهل بهشت است چهره اش مانند ماه درخشنده و بر بدن مبارکش جامه ها از نور است). ۱۱) نه بلند و نه کوتاه بلکه معتدل القامه است. ۱۲) نور رخسارش غالب بر سیاهی محاسن و سر مبارکش است.

۲- منظور از غیبت صغری چیست و تا چه سالی طول کشید؟

غیبت صغرای حضرت مهدی (ع) پس از شهادت پدر بزرگوارش و خواندن نماز بر جنازه پدر شروع شد در این غیبت حضرت برای خود نایب و نماینده خاص تعیین کردند که بوسیله او حوایج و سوالات شیعیان را دریافت کرده و جواب می دادند تا مدتی به همین صورت چهار نایب یکی پس از دیگری دستورات و اوامر حضرت را از حضرتش می گرفتند و به شیعیان می رساندند.

۳- اسامی نواب اربعه را بنویسید.

نایب خاص اول: ابو عمر و عثمان بن سعید العمری الاسدی که از سال ۲۶۰ هجری قمری تا ۲۸۰ از طرف حضرت نماینده خاص بود. نایب دوم: پسر او محمد بن عثمان العمری که بعد از وفات پدرش از سال ۲۸۰ تا ۳۰۵ نیابت کرد.

نایب سوم: ابوالقاسم الحسین بن روح نوبختی از سال ۳۰۵ تا ۳۲۶. نایب چهارم: ابوالحسن علی بن محمد سمري از سال ۳۲۶ تا سال ۳۲۹ که نیمه شعبان این سال وفات کرد.

درس بیست و نهم..... ولایت فقیه

به کوشش: «خانم فائزه قیامی»

۱- ولایت در لغت عربی به چه معنایی آمده و مراد از ولایت فقیه چیست؟

در زبان عربی برای ولایت، دو معنا ذکر کرده اند؛ (۱) رهبری و حکومت، (۲) سلطنت و چیرگی؛ هنگامی که ولایت در مورد فقیه بکار می رود، مراد از آن حکومت و زمامداری امور جامعه است.

۲- دلیل عقلی ولایت فقیه را بیان کنید.

بدون شک هر جامعه ای به زمامدار و رهبر نیاز دارد، حال اگر حکومت و زمامداری بر یک جامعه اسلامی باشد عقل حکم می کند که بر قله چنین حکومتی می بایست کسی قرار گیرد که به احکام و وظایف اسلام آگاهی دارد و می تواند زمامدار مردم باشد اگر معصوم در میان مردم بود عقل او را سزاوار این منصب می شمارد ولی در عصر غیبت معصوم، فقیه عادل و قادر بر اراده جامعه، لایق این مقام است. به دیگر سخن: بهترین فرد برای اجرای احکام و قوانین اسلام کسی است که سه ویژگی دارد (۱) بهترین قانون شناس. (۲) بهترین مفسر برای قوانین اسلام (۳) بهترین مجری برای این قوانین که هیچ انگیزه ای برای تخلف ندارد این ویژگیها را در عصر غیبت ولی فقیه داراست، ولایت فقیه یعنی رجوع به اسلام شناس عادل که از دیگران به امام معصوم نزدیکتر است.

۳- توفیق شریف امام زمان علیه السلام درباره رجوع به فقیهان چیست؟

اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواه حدیثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجه الله علیهم (در رویدادهایی که اتفاق می افتد به راویان حدیث ما مراجعه کنید زیرا آنها حجت من بر شما و من حجت خدا بر آنان هستم)

۴- شیوه استدلال به مقبوله عمر بن حنظله را بیان کنید.

حدیثی که از امام صادق (ع) نقل شده و به مقبوله عمر بن حنظله معروف است: من کان منکم قد روی حدیثنا و نظر فی حلالنا و حرامنا و عرف احکامنا فلیرضوا به حکما فانی قد جعلته علیکم حاکما فاذا حکم بحکما فلم یقبله منه فانما استخف بحکم الله و علینا رد و الراد علینا کالراد علی الله و هو علی حد الشرک بالله. امام صادق (ع) فرمودند: هر کس از شما حدیث ما را نقل می کند در حلال و حرام ما نظر دارد و احکام ما را می شناسد به حکومت او رضایت دهید همانا من او را حاکم شما قرار دادم پس وقتی او به حکم ما حکم کرد اگر قبول نشود، سبک شمردن حکم خدا و رد بر ما است و رد ما رد خداست و آن در حد شرک به خداست.

۵- شئون ولایت فقیه در حدیث اللهم ارحم خلفائی چیست؟

رسول اکرم (ص) از سه شان عمده برخوردار بودند؛ (۱) تبلیغ آیات الهی و رساندن احکام شرعی و راهنمایی مردم (۲) قضاوت در موارد اختلاف و رفع خصومت (۳) زمامداری جامعه اسلامی و تدبیر آن یعنی ولایت؛ با توجه به این دو نکته از حدیث چنین استفاده می کنیم: فقیهان جانشینان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشند و شئونی که برای حضرت بود (تبلیغ دین - قضاوت - زمامداری و ولایت) برای جانشینان او نیز خواهد بود.

۶- شرایط ولی فقیه را بیان کنید.

(۱) اجتهاد و فقهت (۲) عدالت و تقوی (۳) آگاهی به مصالح اجتماعی

درس سی ام..... معاد

به کوشش: «خانم الهام بابایی»

۱- آثار اعتقاد به معاد را بیان کنید.

(۱) ایمان و اعتقاد به معاد به زندگی انسان مفهوم می بخشد و زندگی این جهان را از پوچی در می آورد. (۲) اعتقاد به معاد انسان در روند تکاملی خویش قرار داده و او را از تحیر و سرگردانی نجات می دهد. (۳) ایمان به معاد ضامن اجرای نام قوانین الهی، احقاق حقوق می گردد و به انسان در برابر سختیها نیرو می بخشد. (۴) اعتقاد به معاد انگیزه اصل یتهدیب نفس، عمل به تکالیف شرع، فداکاری و ایثار می باشد. (۵) ایمان به معاد روح دنیا پرستی را که ریشه همه خطایا و جنایات است از بین می برد و خود عامل ترک گناه است.

۲- زندگی کسی که اعتقاد به معاد ندارد چگونه است؟

زندگی دنیا برایشان پوچ و بی محتوا و تکراری است اگر زندگی دنیا را بدون جهان دیگر در نظر بگیریم درست مانند این است که زندگی دوران جنین را بدون زندگی این دنیا فرض کنیم که چیزی جز یک زندان تاریک نخواهد بود، راستی اگر انتهای این دنیا فنا و نیستی همیشگی باشد چقدر تاریک و وحشتناک است حتی مرفه ترین زندگی پوچ و بی معنی خواهد بود! پس برای چه زنده ایم؟ خوردن غذا، پوشیدن لباس، کار و تلاش، این زندگی تکراری را دهها سال ادامه دادن که آخر چی؟ آیا واقعا این آسمان گسترده، این زمین پهناور این همه تحصیل علم و اندوختن تجربه و این همه استادان و مربیان همه برای چند روز زندگی و سپس نابودی همیشگی است؟! اینجاست که پوچی زندگی برای آنها که عقیده به معاد ندارند قطعی می شود.

۳- فشرده ای از آثار عقیده به معاد را بیان کنید.

(۱) الا یظن اولئک انهم مبعوثون لیوم عظیم یوم یقوم الناس لرب العالمین. (آیا گمان نمی کنند آنها که در روز بزرگی بر انگیزخته خواهند شد روزی که همه مردم در پیشگاه پروردگار حاضر می شوند). (۲) در آیه دیگر می فرماید حتی امید و رجاء به جهان دیگر برای جلوگیری از گناه و انجام عمل صالح کافی است: فمن کان یرجو لقاء ربه فلیعمل عملا صالحا و لا یشرک بعباده زبه احدا (پس کسیکه امید به ملاقات پروردگارش دارد باید عمل صالح انجام داده و هرگز شرک به او نیاورد). (۳) قرآن تصریح می فرماید که اعمال و رفتار انسان رنگ ابدیت به خود می گیرد و فردای قیامت از او جدا نخواهد شد، یوم تجد کل نفس ما عملت من خیر محضرا و ما عملت

من سوء تودلو ان بینها و بینہ امدا بعیدا (روزی که انسان هر کار نیک خود را حاضر می بیند و همچنین بدیهاش را می بیند بطوریکه آرزو می کند ای کاش بین من و این بدیها فاصله ای طولانی بود). (۴) معتقد به قیامت هیچ کار خوب یا بدی را کوچک نمی پندارد زیرا طبق آیات قرآن به ذرات کوچک هم رسیدگی می شود فمن يعمل مثال ذره خیرا یره و من يعمل مثقال ذره شرایره (پس کسیکه به مقدار ذره ای کار نیک انجام دهد می بیند آنرا و کسیکه مقدار ذره ای بدی کند می بیند آنرا). شخصی وارد مسجد پیامبر اکرم (ص) شد و گفت یا رسول الله به من قرآن بیاموز حضرت یکی از یاران را معرفی کردند که به او قرآن تعلیم دهد همان روز گوشه ای از مسجد نشستند معلم سوره زلزال را به او تعلیم داد وقتی به آیه مذکور رسیدن آن مرد کمی فکر کرد و پرسید این جمله وحی است؟ معلم گفت آری، گفت بس است مرا، من درس خود را از این آیه گرفتم حالا که همه کارهای ما از کوچک و بزرگ، خوب و بد حساب دارد تکلیف من روشن شد و همین جمله برای زندگی من کافی است خدا حافظی کرده و رفت، معلم خدمت پیغمبر اکرم (ص) آمده و جریان را به عرض رسانید، حضرت فرمودند رجع فقیها یعنی اگر چه رفت ولی همه چیز را فهمید و رفت. (۵) معتقد به قیامت در راه خداوند سخت ترین مشکلات را تحمل نموده و برای رسیدن به سعادت اخروی حتی از زندگی دنیا می گذرد، مانند ساحران که وقتی معجزه حضرت موسی (ع) را دیدند و دانستند او از جانب خداست همه به رسالتش ایمان آوردند فرعون به آنها گفت دست و پای شما را قطع می کنم و شما را بردار می کشم آنها در جواب گفتند: فاقض ما انت قاض انما تقضی هذه الحیوه الدنیا انا آما برنا لیغفر لنا خطایانا و ما اگرهتنا علیه من السحر و الله خیر و ابقی (هر چه می خواهی بکن که نهایت کاری که می توانی بکنی فقط بر دنیای ماست بدرستی که ما ایمان به پروردگارمان آوردیم تا پیامرزد گناهان ما را و آن سحری که تو ما را بر آن مجبور کردی و خداوند بهتر و پاینده تر است).

درس سی و یکم..... دلایل قرآن برای اثبات معاد

به کوشش: «خانم فاطمه نیرومند»

۱- چگونه آفرینش نخستین دلیل معاد می شود؟

یادآوری آفرینش نخستین: هو الذی یبدا الخلق ثم یعیده و هو اهلون علیه (خداوندیکه ایجاد نمود آفرینش را سپس آنها را بر می گرداند و بازگرداندن برای خدا آسان است)؛ با توجه به آفرینش نخستین و خلقت انسانها بازگردان دوباره آنها برای خداوند متعال آسان است یعنی برای خداوندی که قدرت بی نهایت دارد همه چیز آسان است (آفریدن در مرتبه اول و بازگرداندن آنها در قیامت یکی است).

۲- چگونه قدرت خداوند دلیل معاد است آیه ای در این مورد بیان کنید؟

او لم یروا ان الله الذی خلق السموات و الارض و لم یعی بخلقهن بقادر علی ان یحی الموتی بلی انه علی کل شیئی قدیر (آیا ندانستند خداوندیکه آسمانها و زمین را آفرید و از آفرینش آنها ناتوان نشد قادر است مردگان را زنده کند آری او بر همه چیز توانا است). او لیس الذی خلق السموات و الارض بقادر علی ان یخلق

مثلهم بلی و هو الخلاق العليم (آیا کسیکه آسمانها و زمین را آفرید قدرت ندارد همانند آنها را بیافریند؟! آری او آفریدگار داناست).

۳- برهان عدالت برای اثبات معاد چیست؟

عدالت پروردگار اقتضا می کند که پس از این جهان قیامتی باشد و حساب و جزائی بوده باشد که به همه این برنامه ها رسیدگی شود. ام حسب الذین اجترحو الیئات ان نجعلهم کاذبین آمنوا و عملوا الصالحات سواء محیاهم و مماتهم ساء ما یحکمون و خلق الله السموات و الارض بالحق و لتجزی کل نفس بما کسبت و هم لا یظلمون (آیا کسانی که مرتکب گناه شدند گمان می کنند که ما آنها را همچون کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام دادند قرار می دهیم که حیات و مرگشان یکسان باشد؟! چه بد داوری می کنند و خداوند آسمانها و زمین را بحق آفریده است تا هر کس در برابر اعمالی که انجام داده است جزاء داده شود و به آنها ستمی نخواهد شد).

درس سی و دوم.....قرآن و معاد

به کوشش: «خانم سمیه بی کس»

۱- چگونه از راه فلسفه آفرینش اثبات معاد می کنید؟

در قرآن حدود صد مرتبه خداوند به کلمه حکیم توصیف شده است و ما نشانه های حکمت خداوند را در همه جهان هستی مشاهده می کنیم، حال اگر چنین فرض کنیم که مرگ برای انسان پایان همه چیز است و اگر بعد از این جهان قیامتی نباشد آفرینش بوج و عبث و بیهوده خواهد بود و هرگز خداوند حکیم کار عبث نمی کند آیا صحیح است که کسی فکر کند آن همه حکمتی که در خلقت جهان هستی بکار رفته عبث بوده و نهایت هستی، نیستی و فنا باشد؟ آیا باور کردنی است که خداوند سفره ای به اندازه جهان هستی بگستراند و همه وسائل را برای انسان فراهم کند و سپس با مردن همه چیز تمام شده و سفره برچیده شود؟! ربنا ما خلقت هذا باطلا (خداوند این جهان هستی را بوج و باطل نیافریدی). در نتیجه ایمان به خداوند علیم و حکیم مساوی با ایمان به زندگی پس از مرگ است یعنی هر کس معتقد به توحید بود حتما معتقد به قیامت نیز خواهد بود.

۲- داستان عزیر یا ارمیای پیغمبر علیه السلام را بیان کنید.

(ارمیا یا عزیر از کنار قریه ای گذشت که خراب و ویران شده بود با تعجب گفت خداوند چگونه این مردگان را زنده می گرداند پس خداوند او را صد سال می میراند سپس او را زنده کرد و پرسید چقدر درنگ کرده ای گفت یک روز یا قسمتی از روز را، خدا فرمود بلکه صد سال است که تو در اینجایی نگاه به غذا و نوشیدنی خود کن که از بین نرفته و نگاهی به الاغ خود کن که چگونه از هم متلاشی شده تا قرار دهیم تو را نشانه ای برای مردم (درباره معاد) اکنون به استخوانها نگاه کن که چگونه آنها را برداشته و به آن گوشت می پوشانیم چون این مطلب برای او روشن شد گفت می دانم که خداوند بر همه چیز توانا و قادر است).

۳- داستان حضرت ابراهیم علیه السلام را بیان کنید؟

(ابراهیم گفت خدایا به من نشان بده که چگونه مردگان را زنده می کنی؟ خداوند فرمود مگر ایمان نیاورده ای عرض کرد چرا ولکن می خواهم قلبم آرام شود فرمود چهار نوع مرغان (خروس، طاوس، کبوتر، کلاغ) را انتخاب کرده و پس از ذبح آنها را به سوی خود بخوان که به سرعت به سویت می آیند و بدان که خداوند توانای دانا است).

۴- داستان مقتول بنی اسرائیل را بیان کنید.

یک نفر از افراد سرشناس بنی اسرائیل به طرز مرموزی کشته شد برای پیدا کردن قاتل بین بنی اسرائیل اختلاف شد و هر قبیله ای به دیگری نسبت می داد نزدیک بود فتنه بزرگی برپا شود آنها از حضرت موسی علیه السلام کمک خواستند او هم با استمداد از الطاف خداوند دستور داد گاوی را سربریدند و قسمتی از آنرا بر بدن مقتول زدند او برای لحظه ای زنده شد و قاتل را معرفی کرد و در ضمن دلیلی برای معاد و زنده شدن مردگان شد.

درس سی و سوم.....برهان بقاء روح

به کوشش: «خانم کلثوم ریش سفید»

۱- قرآن درباره بقاء روح چه می گوید آیه ای بیان کنید؟

بقاء و استقلال روح: و لاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احياء عند ربهم یرزقون (هرگز گمان نبرید که آنهائیکه در راه خدا کشته شدند مردگانند بلکه آنها زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند). و لاتقولوا بقتل فی سبیل الله اموات بل احياء و لکن لاتشعرون (و به آنهائیکه در راه خدا کشته می شوند مرده نگوئید بلکه آنها زنده هستند ولی شما نمی فهمید). قل یتوفاکم ملک الموت الذی و کل بکم ثم الی ربکم ترجعون (بگو فرشته مرگ که بر شما مامور شده جان شما را می گیرد سپس به سوی پروردگارتان باز می گردید).

۲- دلایل عقلی استقلال روح را بیان کنید؟

۱) ما بالوجدان احساس می کنیم که (من) متفکر و مرید و مدرک غیر از فکر و ادراک است به دلیل اینکه می گوئیم فکر من - درک من - اراده من - پس من غیر از فکر و اراده و درک هستم و اینها از (من) است و بالوجدان درک می کنیم که من غیر از مغز و قلب و اعصاب هستم این (من) همان روح است. ۲) هرگاه انسان خود را از تمام بدن غافل کند و همه اعضایش را از خود منقطع فرض کند باز هم می یابد که هست با آنکه اجزاء بدن نیست و این وجود روح است که مستقلا می تواند باشد. ۳) وحدت شخصیت در طول عمر: این (من)

از اول تا آخر عمر یکی است این (من) همان من ده سال قبل است و پنجاه سال بعد هم اگر چه علم و قدرت و زندگی من تکامل باید ولی همان من هستم، با اینکه علم ثابت کرده است که در طول عمر بارها سلولهای بدن حتی سلولهای مغز تعویض می گردد، در هر شبانه روز میلیونها سلول در بدن ما می میرند و میلیونها سلول دیگر جانشین آن می شود (مانند استخر بزرگی که از یک طرف آب وارد می شود و از طرف دیگر خارج می شوند بدیهی است که آبهای استخر مرتب عوض می شود اگر چه افراد ظاهریین توجه نداشته و آنرا همیشه به یک حال می بینند).

۳- یکی از دلائل نقلی بقاء روح را بیان فرمایید؟

۱) بعد از جنگ بدر پیغمبر اکرم (ص) دستور دادند کشتگان دشمن را در چاهی بریزند سپس حضرت سر در چاه کرده و فرمودند: هل وجدتم ما وعدکم ربکم حقا فانی قد وجدت ما وعدنی ربی حقا (آیا شما به وعده خداوند رسیدید؟ ما که وعده خدا را به حق یافتیم) بعضی حاضران گفتند آیا با افراد بی جان که به صورت جیفه ای در آمده اند سخن می گویی؟! پیامبر (ص) فرمودند: آنها بهتر از شما سخن مرا می شنوند و به عبارت دیگر فرمودند: شما سخنان مرا بهتر از آنها نمی شنوید. ۲) سلمان فارسی از طرف امیر المومنین (ع) فرماندار مدائن بود اصبع بن نباته می گوید: روزی به دیدن سلمان رفتم مریض بود روز به روز مرضی شدت پیدا کرد تا یقین به مرگ نمود روزی به من فرمود ای اصبع رسول خدا (ص) من فرموده اند موقعی که مرگت نزدیک می شود میتی با تو سخن می گوید مرا به قبرستان ببرید طبق دستورش او را به قبرستان بردند گفت مرا متوجه قبله نمایند آنگاه با صدای بلند گفت: السلام علیکم یا اهل عرصه البلاء السلام علیکم یا محتجبین عن الدنیا (سلام بر شما ای اهل وادی بلاء سلام بر شما ای رو پوشیدگان از دنیا) آنگاه روح مرده ای جواب سلامش را داد و گفت هر چه می خواهی بپرس، سلمان پرسید آیا اهل بهشتی یا دوزخ؟ گفت خداوند مرا مشمول عفو قرار داده و اهل بهشتم سلمان از چگونگی مرگش و اوضاع و احوال بعد از مرگ پرسید و او همه را جواب گفت و به دنبال آن سلمان از دنیا رفت. ۳) وقتی حضرت امیر المومنین (ع) از جنگ صفین بر می گشتند در کنار قبرستانی که پشت شهر کوفه قرار داشت ایستاده و رو به قبرها نموده فرمودند: ای ساکنان قبرهای وحشتناک و تاریک ... شما پیشرو این قافله بودید و ما به دنبال شما می آئیم امام خانه های شما به دست دیگران افتاده و همسران شما ازدواج کردند و اموال شما تقسیم شد، اینها خبرهای ما، نزد شما چه خبر؟ ثم التفت الی اصحابه فقال: اما لو اذن فی الکلام لا خبر و کم ان خیر الزاد التقوی (سپس به سوی اصحابش نظر افکنده و فرمودند: بدانید اگر ایشان اجازه سخن داشتند به شما خبر می دادند که: بهترین توشه تقوی و پرهیزکاری است).

درس سی و چهارم..... معاد جسمانی و روحانی است

به کوشش: «خانم شبنم آذری»

۱- درباره چگونگی حیات بعد از مرگ چه نظریاتی وجود دارد؟

آیا حیات بعد از مرگ روحانی است؟ یعنی بدن می پوسد و تلاشی می شود و زندگی آخرت تنها مربوط به روح است و یا فقط جسمانی است و روح هم از خواص و آثار جسم است؟ یا اینکه روحانی و نیمه جسمانی است

(جسم لطیفی که برتر از این جسم دنیوی است)؛ و یا زندگی پس از مرگ هم با جسم مادی و هم روح است و بار دیگر با یکدیگر متحد شده و حاضر می شوند؟

۲- شیعه حیات بعد از مرگ را چگونه می داند؟ یک دلیل قرآن بیاورید.

شیعه عقیده دارد که آیاتی از قرآن، و احادیث فراوانی دلالت دارد که معاد جسمانی و روحانی است: و در این مورد جای هیچ تردیدی نیست.۱) در موارد متعددی قرآن به منکرانی که می پرسیدند چگونه ما وقتی خاک شدیم و یا به صورت استخوانهای پوسیده در آمدیم زنده می شویم؟ پاسخ می گوید که در بخش استدلالهای قرآن برای معاد بیان کردیم (مانند سوره یس آیه ۸۰) که با صراحت معاد جسمانی و روحانی را تبیین می کند.۲) نمونه دیگر آیه ۳ و ۴ از سوره قیامت که می فرماید: آیا انسان می پندارد که ما استخوانهای او را جمع نخواهیم کرد، آری قادریم که حتی خطوط سر انگشتانش را مرتب کنیم. که قدرت خداوند بر جمع استخوانها و تسویه سر انگشتان دلیل دیگری بر معاد جسمانی و روحانی می باشد.

۳- نمونه هایی از معاد جسمانی و روحانی که در همین دنیا اتفاق افتاده بیان کنید.

آیاتی که نمونه هایی از معاد را در همین دنیا به صورت جسمانی و روحانی ثابت می کند مانند داستان حضرت ابراهیم و مرغهای چهارگانه که زنده شدند (سوره بقره آیه ۲۶۰)، داستان مقتول بنی اسرائیل که زنده شد (سوره بقره آیه ۷۱)، داستان عزیر یا ارمیای پیغمبر (ع) (سوره بقره آیه ۲۵۹)، داستان حزقیل پیغمبر و زنده شدن گروهی کثیر بعد از مرگشان که در سوره بقره آیه ۲۴۴ به آن اشاره شده، زنده شدن مردگان توسط حضرت عیسی (ع) (که در سوره مائده آیه ۱۱۰ و آل عمران ۴۸ آمده است) و زنده شدن هفتاد نفر بعد از مرگشان در زمان حضرت موسی (ع) (بقره آیه ۵۵) همه اینها دلائل محکمی برای جسمانی و روحانی بودن معاد است.

درس سی و پنجم.....برزخ یا قیامت صغری

به گوشش: «خانم شبنم آذری»

۱- انسان در لحظه مرگ چه می بیند؟

۱) دیدن ملک الموت و ملائکه دیگر.۲) مشاهده پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام.۳) دیدن جایگاه خود در بهشت یا دوزخ.۴) تجسم اعمال و توجه به پرونده عمر گذشته.۵) تجسم اموالی که جمع کرده.۶) تجسم اولاد و خویشان و دوستان.۷) تجسم شیطان.

۲- هر انسان از تولد به بعد چند دوره را می گذراند؟

۱) دوران تولد تا مرگ که عالم دنیاست. ۲) دوره مرگ تا برپایی قیامت که به آن عالم برزخ گفته می شود. ۳) قیامت کبری. ۴) بهشت یا دوزخ.

۳- برزخ یعنی چه و چه دوره ای است؟

برزخ به معنای فاصله و حائل بین دو چیز است، در اینجا منظور از برزخ جهانی اتسی که بین دنیا و آخرت است. هنگامی که رو از بدن جدا می شود (قبل از آنکه بار دیگر در قیامت به بدن اصلی برگردد) در یک جسم لطیفی که به آن بدن مثالی می گویند قرار می گیرد و تا برپا شدن قیامت با او خواهد بود.

۴- قرآن درباره برزخ چه می گوید؟ آیه ای بنویسید.

حتی اذا جاء احدهم الموت قال رب ارجعون لعلى اعمل صالحا فيما تركت كلا انها كلمة هو قائلها و من ورائهم برزخ الی یوم یبعثون (زمانی که مرگ یکی از آنها می رسد می گویند: پروردگار من! مرا بازگردان شاید عمل صالحی در آنچه ترک کردم انجام دهم، چنین نیست این سخنی است که او به زبان می گوید و پشت سر آنها برزخ است تا روزی که مبعوث شوند)؛ (این آیه صریحا به برزخ اشاره کرده است).

درس سی و ششم..... نفخ صور - نامه اعمال

به کوشش: «خانم کلثوم ریش سفید»

۱- منظور از نفخ صور چیست و چه زمانی واقع می شود؟

از مجموع آیات مذکور استفاده می شود که پایان این دنیا و آغاز جهان دیگر به صورت ناگهانی و با یک صیحه عظیم رخ می دهد و عناوین مذکور همه کتابی می باشد (نفخ به معنای دمیدن و صور به معنای شیپور است)، البته روشن است این حادثه ای عظیم بوده و دمیدن در یک شیپور عادی نیست بلکه صیحه ای عجیب می باشد که خداوند بزرگ با یک فرمان به سادگی دمیدن در یک شیپو اهل آسمان و زمین را می میراند و با فرمانی دیگر همه را برای برپا شدن قیامت زنده می کند، فاصله این دو فرمان برای ما معلوم نیست؛ «می گویند چهل سال است»

۲- امام باقر (ع) درباره نامه عمل چه می فرمایند؟

امام باقر (ع) در تفسیر آیه ۱۳ از سوره اسراء (نامه عمل هر انسانی را بر گردنش قرار می دهیم) می فرماید: خیره و شره معه حیث کان لا یستطیع فراقه حتی یعطی کتابه یوم القیمه بما عمل (خیر و شر انسان به گونه ای همراه اوست که نمی تواند از آن جدا شود تا اینکه کتابش را که حاوی آنچه عمل کرده به او می دهند).

۳- نامه عمل چیست توضیح دهید؟

مرحوم فیض کاشانی در تفسیر صافی می گوید: نامه اعمال کنایه از روح آدمی است که آثار اعمالش در آن نقش می بندد و مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می فرماید: نامه اعمال حقایق اعمال انسان را در بر دارد و مانند خطوط و نقوش معمولی در کتابهای دنیا نیست بلکه آن نفس اعمال انسانی است که خداوند آدمی را آشکارا بر آن آگاه می کند و هیچ دلیلی بهتر از مشاهده نیست، ایشان از آیه ۳۰ سوره آل عمران استفاده کرده که می فرماید: (روزی که هر انسانی اعمال نیک و بد خود را حاضر می بیند).

درس سی و هفتم.....شاهدان قیامت و میزان اعمال

به گوشش: «خانم مرحمت شاکری»

۱- شاهدان قیامت چه کسانی هستند؟ بطور فشرده بیان کنید.

۱) خداوند: که نخستین گواه است: ان الله علی کل شیء شهید (همانا خداوند بر همه چیز گوا است) ۱، ان الله کان علیکم رقیبا (همانا خداوند مراقب شماست) ، فالینا مرجعه ثم الله شهید علی ما یفعلون (بازگشت همه به سوی ماست پس خداوند گواه است بر آنچه انجام می دهند). ۲) انبیاء و امامان (ع): و یكون الرسول علیکم شهیدا (پیغمبر بر شما گواه می باشد) ، و جنابک علی هولاء شهیدا (و می آوریم تو را در حالیکه بر آنها گواه و شاهد هستی) ، و یوم نبعت فی کل امه شهیدا من انفسهم (و روزی که می آوریم در هر امتی گواه و شاهدی از خودشان). ۳) فرشتگان: و جائت کل نفس معها سائق و شهید (و می آید هر انسانی در حالیکه فرشته ای او را می برد و فرشته ای شاهد کارهای اوست)، ما یلفظ من قول الا لدیه رقیب عتید (هیچ کلمه ای بیان نمی شود مگر اینکه برایش مراقبی حاضر است). ۴) زمین: یومئذ تحدث اخبارها (زمین در قیامت اخبارش را بازگو می کند)، پیغمبر اکرم (ص) وقتی آیه مذکور را خواندند فرمودند: اتدرون ما اخبارها؟ جائتی جبرئیل قال خبرها اذا کان یوم القیمه اخبرت بكل عمل علی ظهرها (آیا می دانید اخبار زمین چیست؟ جبرئیل به من گفت روز قیامت زمین خبر می دهد به آنچه بر آن انجام گرفته است). ۵) زمان (شب و روز): قال ابو عبد الله (ع): ما من یوم یاتی علی ابن آدم الا قال ذلک الیوم: یابن آدم انا یوم جدید و انا علیک شهید فقل فی خیرا اشهد لک یوم القیامه فانک لن ترانی بعدها ابدا (امام صادق (ع) فرمودند: هیچ روزی برای انسان نمی آید مگر اینکه آن روز می گوید: ای فرزند آدم! من روز جدیدی هستم و بر تو شاهدم پس در این روز خیر بگو تا روز قیامت بر تو شهادت دهم پس تو هرگز بعد از این مرا نخواهی دید). ۶) اعضاء و جوارح انسان: یوم تشهد علیهم السنتهم و ایدیهم و ارجلهم بما کانوا یعملون (روزیکه زبانها و دستها و پاهاى مردم بر آنها گواهی می دهد) ، الیوم نختم علی افواههم و تکلمنا ایدیهم و تشهد ارجلهم بما کانوا یکسبون (روزیکه بر لبها مهر می زنیم و دستها و پاهایشان به آنچه عمل کردند گواهی می دهد)، شهد علیهم سمعهم و ابصارهم و جلودهم بما کانوا یعملون (روز قیامت گوش و چشم و پوستهایشان به آنچه عمل کرده اند شهادت می دهند). ۷) حضور خود عمل (تجسم عمل که فوق شهادت است): یومئذ ینصرون الناس اشتاتا لیروا اعمالهم فمن یعمل مثقال ذره خیرا یره و من یعمل مثقال ذره شرا یره (در آنروز مردم به صورت گروههای مختلف از قبرها خارج می شوند تا اعمالشان به آنها نشان داده شود، پس هر کس ذره ای کار خوب کرده آنرا می بیند و هر کس ذره ای کار بد کرده آنرا می بیند)، و وجدوا ما عملوا حاضرا و لا یظلم ربک احدا (و همه اعمال خود را حاضر می بینند و پروردگارت به احدی ظلم نمی کند)

، يوم تجد كل نفس ما عملت من خير محضرا و ما عملت من سوء تودلو ان بينها و بينه امدا بعيدا (روزی که هر کس آنچه کار نیک انجام داده حاضر می بیند و دوست دارد میان او و بدیهایش که حاضر شده، فاصله زیاد بود).

۲- میزان یعنی چه و میزان قیامت چیست؟

میزان وسیله سنجش است، میزان هر چیز مناسب با همان چیز است؛ وزن عبارت از عدل در آخرت است و اینکه به احدی ظلم نمی شود یا مراد از وزن ظهور مقدار عظمت و ارزش مومن، و ذلت و بی ارزشی کافر است.

۳- موازین قیامت چه کسانی هستند؟

میزان مردم در روز قیامت آن چیزی است که قدر و قیمت هر انسانی با آن چیز به حسب عقیده و خلق و عملش سنجیده می شود تا اینکه جزای هر انسانی داده شود. این وسیله سنجش، انبیاء و اوصیاء هستند، زیرا قیمت و ارزش هر انسانی به مقدار متابعتش از آنها و نزدیکی او به سیره آنهاست و بی وزنی هر کسی به میزان دوری او از انبیاء و اوصیاء است، در کافی و معانی الاخبار از امام صادق علیه السلام نقل شده که در تفسیر آیه: و نضع الموازین القسط لیوم القیمه (ما میزانهای عدالت را در روز قیامت قرار می دهیم) فرمودند: هم الانبیاء و الاوصیاء یعنی آنها میزان ها انبیاء و اوصیاء هستند، در روایت دیگری فرمودند: نحن موازین القسط (ما میزانهای عدالت هستیم).

درس سی و هشتم..... در قیامت از چه چیز هایی سوال می شود؟

به گوش: «خانم فاطمه شاکری»

۱- در قیامت از چه چیزهایی سوال می شود؟

عن الرضا عن آباءه عن علی (ع) قال: قال النبی (ص) اول ما یسال عنه العبد حینا اهل البیت (امام رضا از پدرانش از علی (ع) نقل کرده که پیغمبر اکرم (ص) فرمودند: اول چیزی که از انسان سوال می شود محبت ما اهل بیت است)؛ عن ابی بصیر قال: سمعت ابا جعفر (ع) یقول: اول ما یحاسب العبد الصلاه فان قبلت قبل ماسواها (ابو بصیر می گوید از امام باقر (ع) شنیدم می فرمود: اول چیزی که مورد محاسبه قرار می گیرد نماز است که اگر قبول شد دیگر عبادات هم قبول است). حدیث قبل اولین سوال در عقیده است و حدیث دوم اولین سوال در عمل می باشد. (عقیده مقدم بر عمل است).؛ عن ابی عبد الله (ع): فی قول الله: ان السمع و البصر و الفواد کل اولئک کان عنه مسولا قال یسال السمع عما یسمع و البصر عما یطرف و الواد عقد علیه (امام صادق (ع) در تفسیر قول خداوند (همانا نسبت به گوش و چشم و قلب مسئولیت است) فرمودند: سوال می شود از آنچه گوش شنیده و از آنچه چشم دیده و از آنچه که قلب دلبستگی پیدا کرده است)؛ عن ابی عبد الله (ع) قال: قال رسول الله (ص) انا اول قادم علی الله ثم یقدم علی کتاب الله ثم یقدم علی اهل بیتی ثم یقدم علی امتی فیفقون فیسألهم ما فعلتم فی کتابی و اهل بیت نبیکم؟ (از امام صادق (ع) نقل شده که رسول خدا (ص) فرمودند: من

اولین کسی هستیم که به پیشگاه خداوند حاضر می شوم سپس کتاب خدا (قرآن) بر من وارد می شود و آنگاه اهل بیت و سپس امت بر من وارد می شوند آنها می ایستند و خداوند از آنها می پرسد با کتاب من و اهل بیت پیغمبرتان چه کردید؟! عن الكاظم عن آبائه (ع) قال: قال رسول الله (ص) قال: لا تزول قدم عبد يوم القيامة حتى يسأل عن أربع عن عمره فيما افناه و شابه فيما ابلاه و عن ماله من أين كسبه و فيما انفقه و عن حينا اهل البيت (امام کاظم (ع) از پدرانسان نقل کرده که رسول خدا فرمودند: در قیامت هیچ بنده ای قدم از قدم بر نمی دارد تا از چهار چیز بازپرسی شود از عمرش که در چه راهی صرف کرده و از جوانیش که در چه راهی آنرا از دست داده؟ و از مالش که از کجا آورده و در چه راهی مصرف کرده؟ و از محبت ما اهل بیت).

۲- از نظر پیغمبر اکرم (ص) فقیر و مفلس کیست؟

روزی رسول گرامی اسلام (ص) خطاب به مردم فرمودند: می دانید فقیر و مفلس کیست؟ عرض کردند: ما به کسی که مال و منال ندارد مفلس می گوئیم، حضرت فرمودند: مفلس امت من کسی است که با داشتن نماز و روزه و زکات وارد محشر می شود اما کسانی را دشنام یا نسبت ناروا داده و به مال بعضی تجاوز کرده و به بعضی کتک زده ... برای جبران گناهانش از حسناش به این و آن می دهند اگر حسناش تمام شود از گناهان صاحبان حق به حساب او می گذارند سپس او را در آتش می اندازند.

۳- صراط دنیا و آخرت چیست؟

صراط دنیا عبارت است: از راه سعادت و نجات و رستگاری، چنانچه در قرآن آمده: ان هذا صراطی مستقیم فاتبعوه و لاتبعوا السبل فتفرق بکم عن سبیله (همانا این راه من است که مستقیم می باشد پس آنرا متابعت کنید و راههای دیگر را پیروی نکنید که شما را از حق جدا می کند)؛ صراط آخرت عبارت است: از جسر و پلی که روی جهنم کشیده شده است و آخر این پل بهشت برین می باش و هر کس آنرا به سلام طی کند به سعادت ابدی رسیده و در بهشت جاودان مستقر می گردد و هر کس نتواند بگذرد در آتش دوزخ سقوط کرده و معذب خواهد بود.

۴- امام صادق (ع) درباره صراط (به مفضل) چه فرمودند؟

صراط همان طریق به سوی معرفت خداوند متعال است و دو صراط هست یکی در دنیا و دیگری در آخرت، اما صراط دنیا همان امام واجب اطاعه است هر کس او را بشناسد و از هدایتش پیروی کند از صراط آخرت که پلی روی جهنم است می گذرد و هر کس او را نشناسد قدمش بر صراط آخرت می لغزد و در آتش جهنم سقوط می کند).

درس سی و نهم..... بهشت و بهشتیان، دوزخ و دوزخیان

به کوشش: «خانم فاطمه شاکری»

۱- پنج مورد از نعمتهای جسمانی بهشت را بیان کنید.

۱) باغهای بهشتی: که در بیش از یکصد آیه قرآن مجید تعبیر جنت و جنات و ... آمده است، باغهایی که قابل مقایسه با باغهای دنیا نیست و اصلاً برای ما قابل درک نیست. ۲) قصرها بهشت: تعبیرهایی مانند و مساکن طیبه می فهماند که محل

سکونت بهشتیان تمام مزایا را دارد. ۳) فرشها و تختهای گوناگون: از نعمتهای جالب بهشت فرشهای زیبا و دل انگیز است که با تعبیرهای مختلف نقل شده است. ۴) غذاهای بهشتی: از مجموع آیات قرآن استفاده می شود که غذاهای بهشت کاملاً متنوع است و جمله مما یشتهون (از هر نوع بخواهند) معنای وسیعی دارد و قسمت عمده آن میوه های مختلف است. ۵) شرابهای طهور: نوشیدنیهای بهشت کاملاً متنوع و نشاط آفرین است و به قول قرآن لذه للشاربین (مایه لذت نوشندگان است) و همیشه تازه و هیچ وقت طعم آن تغییر نمی کند، زلال و خوشبو است. ۶) لباسها و زینتها: لباس زینت مهمی برای انسان است به تعبیرهای مختلفی از لباسهای اهل بهشت (در آیات و احادیث) توصیف شده است که همه حکایت از زیبایی و جذابیت آن می کند. ۷) همسران بهشتی: همسر شایسته وسیله آرامش انسان است بلکه اساس لذت روحانی هم هست در قرآن و احادیث معصومین علیهم السلام به تعبیرهای مختلف از این نعمت بهشت سخن به میان آمده است و از آن توصیف بسیار شده است یعنی همسران بهشتی دارای تمام امتیازات ظاهری و باطنی هستند. ۸) هر چه بخواهند: فیها ما تشتهیه الانفس و تلذ الاعین (در بهشت آنچه دل می خواهد و چشم از آن لذت می برد موجود است) این بالاترین تعبیری است که درباره نعمتهای بهشت آمده است یعنی همه لذتهای جسمی و روحی هست.

۲- پنج مورد از نعمتهای روحانی بهشت را بیان کنید.

۱) احترام مخصوص: از هنگام ورود به بهشت استقبال فرشتگان و احترامات ویژه آغاز می شود و از هر دری فرشته ها وارد شده و می گویند سلام بر شما به جهت صبر و استقامتتان چه عاقبت خوبی پیدا کردید. ۲) محیط آرامش: بهشت دار السلام است، خانه امن و امان است: ادخلوا الجنة لا خوف علیکم و لا اثم تحزنون (داخل بهشت شوید که دیگر هیچ ترس و هیچ غصه ای بر شما نخواهد بود). ۳) دوستان و همراهان باوفا: یکی از بهترین لذات روحانی بهره مند شدن از دوستان باصفا و با کمال است آنچه قرآن تعبیرش چنین است ... و حسن اولئک رفیقاً ... (چه رفیقان خوبی این فضل و مرحمت خداوند است). ۴) برخورد های آمیخته از محبت: در بهشت صفا و صمیمیت و محبت فشا را پر نشاط می کند هیچ سخن بیهود ای نیست فقط سلام است، فی شغل فاکهون (سرگرمیهای خوشحال کننده دارند). ۵) نشاط و خوشحالی فوق العاده: تعریف فی وجوههم نضره النعیم (در چهره های آنان طراوت و نشاط نعمت را می بینی)، وجود یومئذ مسفره ضاحکه مستبشره (صروتیایی که در آن روز نورانی، گشاده، خندان و مسرور است). ۶) احساس خشنودی خداوند: لذت درک رضای محبوب از بزرگترین لذتهای معنوی است در آیه ۱۵ سوره آل عمران بعد از ذکر باغهای رسیز بهشتی و همسران پاکیزه می فرماید: و رضوان من الله (خشنودی خداوند) رضی الله عنهم و رضوا عنه ذلک الفوز العظیم (هم خداوند از آنها خشنود است و هم آنها از خداوند، این است رستگاری بزرگ). ۷) ابدیت و جاودانگی نعمتهای بهشتی: همیشه ترس و نگرانی از زوال و نیستی است اما بهشت و نعمتهایش جاودانه است

هرگز ترس زوال نیست و این ارزش فوق العاده ای است اکلها دائم و ظلها (میوه ها و خوردنیها و سایه اش همیشه است). ۸. آنچه در تصور نمی گنجد: فلا تعلم نفس ما اخفی لهم من قره اعین (هیچکس نمی داند چه پادشاهی که موجب روشنی چشمها است برای آنها نهفته شده است) و به قول پیغمبر اکرم (ص) آنچه هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و به هیچ قلبی خطور نکرده است در بهشت موجود می باشد.

۳- سه مورد از عذابهای جسمانی اهل دوزخ را بیان کنید.

۱) شدت عذاب: عذاب جهنم به اندازه ای شدید است که شخصی گنهگار دوست می دارد فرزندان، همسر، برادر، دوست، قبیله و حتی همه روی زمین را فدا کند تا سبب نجاتش شود یود امجرم لو یفندی من عذاب یومئذ بینی و صاحبته و اخیه و فصیلته التي توویه و من فی الارض جمیعا ثم ینجیه (گنهگار دوست می دارد فرزندان خود را در برابر عذاب آن روز فدا کند و همسر و برادرش و قبیله اش را که همیشه از او حمایت می کردند و تمام مردم روی زمین را، تا مایه نجاتش شود). ۲. غذاها و نوشیدنیهای دوزخیان: ان شجره الزوم طعام الاثیم کالمهل یغلی فی البطون کغلی الحمیم (همانا درخت زقوم غذای گنهکاران است همانند فلز گداخته در شکمها می جوشد، جوشی چون آب سوزان). ۳. لباس جهنمیان: و تری المجرمین یومئذ فی الاصفاد سرابیلهم من قطران و تغشی وجوههم النار (در آن روز گنهکاران را همراه هم در گل و زنجیر می بینی لباسشان اط قطران (ماده چسبنده بدبوی قابل اشتعال) است و صورتهايشان را آتش می پوشاند)؛ فالذین کفروا قطعت لهم ثياب من نار یصب من فوق رؤسهم الحمیم یصهر به ما فی بطونهم و الجلود (پس کسانی که کافر شدند لباسهایی از آتش بر آنها بریده می شود و مایعی سوزان و جوشان بر سر آنها می ریزند چنانچه ظاهر و باطنشان را ذوب می کند).

۴- سه مورد از عذابهای روحی جهنمیان را بیان کنید.

۱) غم و اندوه و حسرت بی پایان: کلما ارادوا ان یخرجوا منها من غم اعیدوا فیها و ذوقوا عذاب الحریق (هر زمان بخواهند از غم و غصه های جهنم خارج شوند آنها را بر می گردانند و گفته می شود بچشید عذاب سوزان را). ۲. خواری و ذلت فراوان: و الذین کفروا و کذبوا بآیاتنا فاولئک لهم عذاب مهین (و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند برای آنها عذاب خوار کننده ای است)؛ در موارد متعددی از قرآن ذلت و خواری اهل جهنم را بیان می کند همانگونه که آنها در دنی مومنین را خوار می پنداشتند. ۳. تحقیر و سرزنش بسیار: وقتی دوزخیان می گویند پروردگارا ما را از دوزخ خارج کن اگر به اعمال گذشته برگردیم قطعاً ستمگریم، به آنها گفته می شود: اخسؤا فیها و لانکلمون (دور شوید در دوزخ و با من سخن نگوئید)؛ این تعبیر اخسا جمله ای است که هنگام دور ساختن سگ به کار می رود و این جمله برای تحقیر ستمگران و گنهکاران است. ۴. جاودانگی عذاب و کیفر: و من یعص الله و رسوله فان له نار جهنم خالدین فیها ابدًا (کسی که نافرمانی خدا و رسولش کند برای او آتش جهنم است که همیشه در آن خواهد ماند)؛ خلود و همیشگی که برای گروهی از اهل جهنم هست بسیار دردناک و سخت خواهد بود زیرا هر کس در مشکلی بسر می برد فقط شادیش امید نجات است اما شدت بیچارگی در موردی است که هیچ امید نجات نباشد. علاوه به اینها دوری از رحمت خداوند از شدیدترین آلام روحی است: فکیف اصبر علی فراقک.

درس چهارم.....مسأله شفاعت

به کوشش: «خانم مرحمت شاکری»

۱- شافع کیست و شفاعت چیست؟

در لسان العرب واژه شفع چنین آمده است: الشافع الطالب لغيره یتشفع به الی المطلوب (شافع کسی است که چیزی برای غیر خود طلب می کند...) و در مفردات راغب واژه شفع چنین آمده است: الشفاعه الانضمام الی آخر ناصر اله و سائلا عنه (شفاعت منضم شدن کسی به دیگری است به منظور اینکه او را یاری داده و از طرف او خواسته هایش را بخواهد)، و حضرت علی (ع) در این مورد چنین می فرمایند: الشفیع جناح الطالب (شفاعت کننده برای طالب آن به منزله بالی است که با کمک آن به مقصد می رسد).

۲- آثار مثبت و سازنده شفاعت را بیان کنید؟

۱) ایجاد رابطه معنوی با اولیاء الله و شفیعان: واضح و روشن است کسی که به مسائل روز قیامت و اضطراب و ترس آنجا توجه دارد، امید به شفاعت پیغمبر اکرم (ص) و دیگر معصومین (ع) دارد سعی می کند که نوعی رابطه با آنها برقرار سازد و آنچه موجب رضای آنها است انجام داده و آنچه موجب ناراحتی آنها است ترک کند زیرا از مفهوم شفاعت می فهمیم که باید رابطه ای معنوی بین شفاعت شوندگان و شفیعا وجود داشته باشد. ۲) تحصیل شرایط شفاعت: در آیاتی که قبلا به آن اشاره کردیم و در احادیث بسیار شرایط مختلفی برای شفاعت ذکر شده است، مسلما کسی که امید و انتظار شفاعت دارد کوشش می کند که این شرایط را در خود ایجاد کند از همه مهمتر اذن و رضایت پروردگار است یعنی باید کاری انجام دهیم که محبوب و مطلوب خداوند است و آنچه موجب محرومیت از شفاعت است ترک کنیم.

۳- شرایط شفاعت را بیان فرمائید؟

۱) ایمان از شرایط اصلی است و افرادی که ایمان و عقیده ندارند شفاعت شامل حال آنها نمی شود. ۲) تارک الصلاة نباشد و حتی طبق روایت امام صادق علیه السلام نماز را سبک نشمرده باشد. ۳) تارک زکات نباشد. ۴) تارک حج نباشد. ۵) ظالم نباشد و ما للظالمین من حمیم و لا شفیع یطاع یعنی برای ظالمین هیچ مهربان و هیچ شفیع مطاعی نباشد؛ و در سوره مدثر می فرماید: چند چیز موجب محروم شدن از شفاعت است: ۱) بی اعتنائی به نماز ۲) بی توجهی به طبقه محروم جامعه ۳) سرگرم باطل شدن ۴) نپذیرفتن معاد.